

مصاحبه مافیوگرافی و رادیو تلویزیونی

من برای دیدار کره جنوبی دعوت کرده بود.

اخيراً وزارت خارجه ما، سفارت کره جنوبی را به سطح کاردار تنزل داده. سفیر خیلی ناراحت بود. علت را پرسید. گفتم: جاسوسی چند عضو سفارت و برقراری روابط بین کره و عراق در حین جنگ ما با عراق و خودداری از فروش اسلحه به ما، پس از اینکه هیأتی از ایران را برای فروش اسلحه به کره دعوت کرده‌اید. قرار شد با دولتش تماس بگیرد و برای رفع علل سردی روابط، تلاش کند. خواست که روابط اقتصادی پائین نیاید.

گروهی از نیروی هوائی آمدند و پیشنهادهائی داشتند برای تعویض کادر ستاد نیرو، پس از سرهنگ [جواد] فکوری که احتمالاً پست فرماندهی نیروی هوائی را برای پست وزارت دفاع از دست بدهد؛ چون قانون اساسی دو شغل را اجازه نمی‌دهد.

مصاحبه‌ای مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی درباره انتخابات، طرح احزاب و نمایندگان مخالف و تحلیلی از مسائل جاری کشور داشتم. افطار آقایان رجائی، موسوی اردبیلی و بهزادنبوی، در مجلس مهمان من بودند. شورای موقت ریاست جمهوری، در دفتر من تشکیل جلسه داد. درباره اوضاع جاری، مبارزه با گروهکهای محارب، اصلاح تبلیغات درباره آنها، مدیران صداوسیما بعد از استعفای آقای اعلی‌الاريجانی و رفقایش و همچنین نخست وزیر آینده، مذاکره کردیم. گزارش وضع جنگ را دادیم. برای نخست وزیر آینده، بیشتر سراغ آقای باهنر رفتیم و برای مدیر عامل صداوسیما آقای [غلامعلی] حدادعادل را در نظر گرفتیم. شب را در دفترم خوابیدم و سحری را همان جا صرف کردم. احمد آقا تلفن کرد و از وضع آب شهر تهران که اخیراً قطع و وصل می‌شود، اظهار نگرانی کرد و احتمال سوء نیت می‌داد. قرار شد تعقیب شود.

۱۳ رمضان - ۱۵ جولای

چهارشنبه ۲۴ تیر

چون شب در مجلس خوابیده بودم، یک ساعت زودتر مشغول کار شدم. گزارشها را خواندم و متن خطبه عربی نماز جمعه را نوشتم و برای ترجمه فرستادم. جلسه علنی درباره بودجه داشتیم. بیشتر وقت جلسه صرف پیشنهادات جدید شد. پیشنهادات خوبی تصویب شد، صبح و

عصر ادامه داشت و لایحه بودجه تصویب شد. به خاطر جو موجود، مخالفان دولت نتوانستند بحثهای ایدایی و وقت‌گیر داشته باشند. مجموعاً بیست و پنج ساعت وقت، بیشتر صرف نشد؛ اگر وضع مثل سابق بود، ممکن بود چند برابر وقت مصرف شود.

انتخابات هیأت رئیسه مطرح شد، مجدداً به ریاست مجلس انتخاب شدم، رقیب نداشتم و ۱۴۰ نفر از یکصد و شصت و هفت نفر که رأی داشتند، به من رأی دادند. ۲۷ نفر رأی ممتنع داشتند. چندین نفری که اعتبار نامه شان تصویب نشده، رأی نداشتند و کارپردازان سابق و چهار نفر از منشیان سابق هم انتخاب شدند.

عصر جلسه شورای مرکزی حزب جمهوری، در دفتر من تشکیل شد. درباره کینیت عملکردها و آقایان دکتر شیبانی، پرورش و عسکراولادی که احتیاطاً خود را کاندیدای ریاست جمهوری کرده‌اند، بحث کردیم. برای انتخابات، وضع خوبی پیش نیامده. آقای رجائی، رقیب جدی ندارد و اینها همگی از یک گروه‌اند و نمی‌شود، رقابت جدی داشته باشند.

به دفتر امام تلفن زدم و قرار گذاشتم، فردا با ایشان ملاقات کنم و در این باره و کارهای دیگر مشورت کنم. همراه آقای باهنر به طرف منزل آمدم. در بین راه بحثهایی داشتیم. آقای باهنر آمادگی پذیرش نخست وزیری را دارد.

حاج احمد آقا هم امروز به دفتر من آمد و نگران بعضی سمپاشیها بود. قرار شد، من اقدامی نکنم. شب دکتر حبیب‌الله ایمان به منزل آمد و برای توضیح موضع خودش، خیلی صحبت کرد و طرفداری از انقلاب نشان می‌داد و آماده همکاری و گله از بی‌اعتنائی ما داشت. من هم خوب روشن کردم که موضع‌گیری خود ایشان در گذشته، این وضع را به وجود آورده.

پنجشنبه ۲۵ تیر

۱۳ رمضان - ۱۶ جولای

دو روز عقب ماندگی در نوشتن خاطرات را جبران و ساعتی هم، تفسیر مطالعه کردم. با توجه به وضع روحی خود و وضع جامعه، آیات راجع به جنگ احد را انتخاب کردم. سپس به زیارت امام رفتم.

حال امام خوب است. در ماه رمضان به خاطر قطع ملاقاتها، استراحت کرده‌اند. با ایشان درباره کاندیداهای ریاست جمهوری و تبلیغات انتخابات و نخست وزیر آینده و جنگ و چیزهای دیگر مشورت کردم. ایشان سفارش اکید در محافظت اینجانب و مسئولان دیگر



### هیئت رئیسه مجلس

اسدالله بیات - محمد یزدی - هاشمی رفسنجانی - موسوی خوئینی ها - مرتضی الویری  
منشی      نایب رئیس دوم      رئیس      نایب رئیس اول      منشی

داشتند.

در مجلس، جلسه هیأت رئیسه داشتم. جلسه علنی برای یک هفته نخواهیم داشت. آخرین جلسه هیأت رئیسه سال جاری است. برنامه هفته آینده را مرتب کردیم و قرار شد برای ساختمان منازل مسکونی نمایندگان - که بودجه‌اش تامین شده - مسئول تعیین کنیم و کارهای جزئی دیگر.

بعد از ظهر، با تلویزیون ایتالیا مصاحبه داشتم<sup>۱</sup> و با کاردار سفارت پاکستان، ملاقاتی داشتم که خواستار توسعه همکاری و رفع سوء تفاهمات بود.

آقای اسید محمود ادعائی با فرزند مرحوم خالصی زاده که از مبارزان عراق است، آمدند و درباره کیفیت مبارزه در داخل عراق و هماهنگ کردن مبارزان، بحث کردیم. آقای سید صادق موسوی (شیرازی) هم از لبنان آمده بود و سفارش تبلیغ مناسب، برای روز قدس امسال داشت.

آخر وقت، به ملاقات آقای خامنه‌ای، در بیمارستان قلب رفتم. حالشان بهتر است. دست راستشان را که بی حس است به بالا بسته بودند که خونها در وریدها جمع نشود و ورم کاسته شود. مقداری درباره اوضاع جاری کشور صحبت کردیم.

افطار به خانه آمدم. عفت، منزل آقا جلال - پاسدارمان - مهمان بود. بچه‌ها بودند و اول شب، بچه‌های مرحوم اخوی هم آمدند، محمد اخوی زاده، تأکید بر باز کردن دانشگاهها داشت.

جمعه ۲۶ تیر

۱۵ رمضان - ۱۷ جولای

فرستی برای استراحت به دست آمد و توفیقی برای مطالعه. قبل از رفتن به نماز جمعه، مروری بر مجموعه اخبار و مناسبتهای هفته - که ستاد نماز جمعه برای امام جمعه تهران هر هفته تهیه می‌کند - نمودم.

سپاه پاسداران اطلاع داد که تروریستها احتمالاً با تفنگ دوربین دار، از ساختمانهای مجاور دانشگاه، نسبت به امام جمعه یا شخصیت‌های دیگر حاضر در نماز جمعه، اقدام به ترور

نمایند. از مسئولان خواستم که رسیدگی کنند.

ساعت ده و نیم صبح به دانشگاه رفتم. آقای فخرالدین حجازی، سخنران قبل از نماز جمعه بود. بعد از صحبت ایشان، برق قطع شد و تقریباً سه ربع ساعت وقت تلف شد. با تأخیر خطبه‌ها را آغاز کردم و لذا، کوتاه و مختصر، دربارهٔ انتخابات و آزمایش و تفاق صحبت کردم و خطبه عربی را نخواندم. برای اینجا برق اضطراری لازم است.

عصر، جلسهٔ شورای عالی دفاع در ستاد مشترک داشتیم. سرهنگ افضلی فرمانده نیروی دریائی و سرتیپ ظهیرنژاد فرمانده نیروی زمینی اهم شرکت نمودند، افضلی دربارهٔ علت آسیب دیدن ناو میلان و نیمه غرق شدن آن، توضیح داد و گفت چهارده نفر که در انجام وظایفشان کوتاهی کرده‌اند، تحت پیگرد قرار گرفته‌اند. تا دوسه هفته دیگر، ناو اصلاح و مشغول کار می‌شود. از نیازهای نیروی دریائی شرحی داد.

آقای ظهیرنژاد، از اختلاف خود با تیمسار فلاحی، در موضوع عزل سرهنگ ورشوی از فرماندهی لشکر ۲۱ گفت و شکایت به شورا نمود و پس از دفاع آقای فلاحی، قرار شد تفاهم و همکاری کنند. افطار را در ستاد، مهمان آقای فلاحی بودیم؛ آخر شب به خانه آمدم. سویچ اتومبیل من در داخل آن مانده بود. با ماشین اسکورت آمدم، هنوز بچه‌های پاسدار، انضباط لازم را ندارند. تقصیر ندارند، آموزش ندیده‌اند.

شنبه ۲۷ تیر

۱۶ رمضان - ۱۸ جولای

اول وقت، از طرف ستاد ارتش چند نفر کارشناس امنیتی آمدند، برای بررسی وضع امنیتی منزل. پاسدارها گزارش داده بودند که صداهای نامأنوسی شنیده می‌شود. احتمال نقب زدن داده‌اند.

به بیمارستان اختر، برای عیادت چند نفر از مجروحان انفجار بمب در دفتر مرکزی حزب جمهوری رفتیم. دونفر، آقایان صفاتی دزفولی نماینده آبادان و نجفی نماینده شهرضا مانده بودند و بقیه مرخص شده بودند و جمعی از مجروحان جنگ را نیز زیارت کردم. از آنجا به بیمارستان قلب، برای عیادت آقای خامنه‌ای رفتم. حالشان بهتر است، بی نشاط هستند؛ که حق دارند. با شنیدن حادثه وقوع انفجار و شهادت ۷۴ نفر از بهترین یاران و تعویض مکرر خون و عمل مکرر جراحی با آن ضعف بیه و...

نزدیک ظهر به مجلس رفتم. جلسه علنی نداشتیم. به کارهای دفتر رسیدم. گزارشها را خواندم. عصر آقای سید مهدی هاشمی، مسئول نهضتهای آزادیبخش آمد و مشکلات کار خود را در رابطه با ارز و فرودگاه و نداشتن ضوابط مشخص مطرح کرد.<sup>۱</sup>

مصاحبه‌ای با مجله صفا، ارگان اداره سیاسی ایدئولوژیک ارتش، درباره شرح حال خودم داشتم. خیلی طولانی بود. مصاحبه‌ای با خبرنگار رادیوی سوئد که بیشتر درباره اعدامها و آقای بنی صدر بود.<sup>۲</sup>

حاج احمد آقا خمینی هم آمدند و راجع به پرونده‌ای که برای یکی از آقایان پیش آمده بود، کمک و رسیدگی عادلانه می‌خواستند.

پاسداری برای خواندن خطبه عقد ازدواج مراجعه کرد. که چون وارد دفتر رسمی نکرده بود. به بعد موکول کردم. دو نفر از کارمندان مجلس هم برای کارشان مراجعه کردند. با آقایان رجائی و باهنر درباره نخست وزیر آینده، تلفنی بحث کردیم.

افطار به خانه آمدم. اخوی محمد و خانواده‌اش مهمان ما بودند. آقای فتوحی آمد و درباره استفاده از منزل مجاور صحبت کرد و پیشنهادی برای ایجاد واحدهای تصفیه سریع نفت داشت.

در اخبار خارج، حمله اسرائیل به لبنان و کشتن بیش از ۳۰۰ نفر و جرح ۸۰۰ نفر؛ فاجعه عظیمی است. دولتهای عربی بی‌عرضگی بروز می‌دهند.

شورش انگلستان که مبارزه رنگین پوستان، دولت را در معرض سقوط قرار داده است، خبر مهم روز است و بریتانیا را دچار مشکل عظیمی کرده.

آقایان کیانوری و عموئی از رهبران حزب توده آمدند و خواسته‌هایی داشتند و توصیه‌هایی.

یکشنبه ۲۸ تیر

۱۷ رمضان - ۱۹ جولای

پیش از رفتن به مجلس، منزلی را که برای ما در نظر گرفته بودند، در همسایگی مان دیدم، جالب نیست. می‌گویند از نظر امنیتی مناسب‌تر است.

۱ - سید مهدی هاشمی بعدها به اتهام قتل چند نفر از جمله آیت‌الله شمس آبادی و اتهامات دیگر، معاکمه شد و به اعدام محکوم گردید.  
۲ - کتاب هاشمی رفسنجانی - مصاحبه‌های ۱۳۶۰.

ساعت ده صبح، به مجلس رسیدم. دو نفر از طوالتش آمده بودند و طوماری داشتند و از فشارهای سپاه در مورد خلع سلاح، شکایت داشتند.

آقای خانیاں آمد و درباره حل مسأله منزل خودمان - که از ایشان خریده‌ایم و مشاع است و تا کنون تفکیک نشده و سند نداده‌اند، کلنگی است و نمی‌توانیم تجدید بنا کنیم - صحبت کردیم. هشت سال است، خریده‌ایم و هنوز تفکیک نشده. آقای ابوشریف آمد و از اینکه ایشان را بیکار کرده‌اند و دوستانش را از سپاه اخراج می‌کنند، گله داشت و گریه کرد. متأثر شدم، قول کمک دادم.

دو نفر افسر پلیس آمدند، برای اسکورت من معین شده‌اند. خود را معرفی کردند، امروز یکی از آنها برای اولین بار جلوی ما در خیابان حرکت کرد. جالب نیست، در خیابانها جلب توجه می‌کند.

بعد از ظهر، جلسه شورای مرکزی حزب، در دفتر من تشکیل شد. بعد از بحث زیاد، با نخست وزیر آقای باهنر، موافقت شد و تعدادی اسم برای وزرای جدید به ایشان داده شد. افطار در منزل اخوی محمد، مهمان بودیم.

دوشنبه ۲۹ تیر

۱۸ رمضان - ۲۰ جولای

پیش از رفتن به مجلس به عیادت آقای خامنه‌ای رفتم، حالشان رو به بهبودی است و مسائل جاری را با ایشان در میان گذاشتم و مشورت کردم.

آقایان دکتر شیبانی و ابوالقاسم سرحدی زاده هم آمدند و خبر سوء قصد به جان آقای عسکراولادی نایب رئیس مجلس و کاندیدای ریاست جمهوری را و نجات ایشان و کشته و زخمی و دستگیر شدن هر سه مهاجم را دادند.<sup>۱</sup>

به مجلس آمدم و تلفنی با آقای عسکراولادی در بیمارستان سوم شعبان، صحبت کردم. دستشان مجروح شده و مهم نیست. مهاجمان از مجاهدین خلقتند. یکی از اهدافشان، ظاهراً تأخیر انداختن انتخابات ریاست جمهوری است.

در دفتر کارم، مشغول نصب شیشه‌های ضد گلوله به پنجره‌ها هستم و دفتر نامنظم است.

۱. آقای حبیب‌الله عسکراولادی هنگامی که از مرز خود خارج می‌شد، مورد هدف گلوله قرار گرفت. در این حادثه دست راست آقای عسکراولادی بر اثر اصابت گلوله مجروح شد.



آقای یارمحمدی با نقشه ساختمان دوپست دستگاه منزل مسکونی برای نمایندگان مجلس و آقای دکتر ولایتی با طرح پوستری برای یادبود شهدای مجلس در فاجعه انفجار بمب، در دفتر مرکزی حزب جمهوری، برای مشورت آمدند.

ظہر، آقای نوری معاون وزارت خارجه آمد و پیشنهاد نخست وزیری مهندس امیرحسین موسوی را داد. آقای [فضل الله] محلاتی [نماینده امام در سپاه] آمد و درباره تصفیه یاران ابوشریف از سپاه شکایت داشت و کمک خواست.

آقای ربانی املشی دادستان کل کشور تلفن کرد و تقاضای انگشتر حفاظت، ساخت حافظیان برای آقای رجائی داشت. بعد از به وجود آمدن ناامنی، این نوع چیزها رواج یافته و اکثر شخصیتها گرفته اند، من جمله خود من. عصر پاسداری برای اجرای صیغه عقد ازدواج مراجعه کرد. آقای سید محمود قمی آمد. شکایت از بدرفتاری سپاه و کمیته ها با بیت ایشان داشت. و کارهای شخصی دیگر.

آقای کامران آمد. درباره اشتغال محمد دوست و صیاد شیرازی صحبت داشت. ساعت پنج بعد از ظهر در جلسه شورای عالی دفاع شرکت کردم، گزارشی از وضع جبهه ها که اکثراً را کردند و در انتظار حرکت و طرحی برای طرد دشمن از اطراف آبادان و موضوع مذاکره با پاکستان و کمبود آب رود هیرمند، مطرح شد.

سه شنبه ۳۰ تیر

۱۹ رمضان - ۲۱ جولای

ساعت ۹ صبح به مجلس رفتم، گزارشها را خواندم. شب گذشته به اتومبیل آقای اعلی اکبر اناطق نوری، تیراندازی کرده اند که راننده مجروح شده و کس دیگری در ماشین نبوده و آقای دکتر [حسن اروحانی]، عضو شورای سرپرستی صداوسیما هم ماشینشان تصادف کرده و بستری است، ولی صدمه ای مهم نخورده. آقای فاضل نماینده بابل آمد و کمک برای محافظت می خواست.

آقایان دکتر [یدالله] سحابی و مهندس [مهدی] بازارگان و دکتر [کاظم] سامی آمدند و خواستار آزاد شدن روزنامه میزان بودند. دکتر سامی از اینکه محل حزب جاما جنبش مسلمانان ایران که به طور غیر قانونی، دو سال در اختیارش بوده و امروز دادگاه انقلاب برای هرماه، پنجاه هزار تومان کرایه می خواهد، ناراحت بود و کمک می خواست. گفت کیهان، روزنامه اش را

چاپ نمی‌کند. به آنها گفتم، موضعتان را باید مشخص کنید. این درست نیست که با گروه‌های محارب بسازید و با آنها همصدا باشید و تقاضای آزادی کنید. از اینکه در جلسه فاتحه خانم آقای شریعتی، به آنها از طرف حزب‌الله اهانت شده، شکایت داشتند و از من می‌خواستند که حزب‌الله را از این اعمال منع کنیم و من گفتم این حرکات حزب‌الله، عکس‌العمل طغیان نیروهای دوست شما است.

عصر دکتر شبانی به مجلس آمد. برای محافظت بیشتر تصمیم گرفته که دوسه روز در مجلس بماند. زیرا توطئه مخالفان این است که با کشتن یکی از کاندیداهای ریاست جمهوری، پانزده روز انتخابات را (به موجب قانون اساسی) به تأخیر اندازند. ترور عسکراولادی که ناکام ماند، براساس همین توطئه است.

آقای بهزادنبوی و دونفر دیگر از کادر رهبری سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی آمدند و درباره بهتر کردن روابط حزب جمهوری و سازمانشان و جلوگیری از تیره شدن روابط، بحثهایی کردیم.

شورای ریاست جمهوری با حضور احمدآقا خمینی او بهزادنبوی، بعد از افطار در دفتر من تشکیل شد و تا ساعت یازده شب ادامه یافت. درباره کابینه و روابط با روحانیت و رادیو تلویزیون و... بحث کردیم. شب را در مجلس در دفترم خوابیدم. این روزها، توصیه زیادی داریم که کمتر در خیابانها رفت و آمد داشته باشیم و کار زیاد هم صرفه جویی در وقتها را توصیه می‌کند.

#### چهارشنبه ۳۱ تیر

۲۰ رمضان - ۲۲ جولای

اول وقت سرکارم بودم. آخر شب خبر تصرف بیاره را دادند؛ شهر کوچکی از عراق که در مرز به تصرف نیروهای ما در آمده، ولی هنوز کاملاً تأیید نشده و معلوم نیست، مسلط برجاده‌های شهرند یا داخل شهر. به هر حال نقطه عطفی در جنگ است و شروع پیشروی در خاک عراق، مهم است.

خبر از حمله تروریستها به آقای نجفی معاون وزارت آموزش و پرورش رسید که به ایشان صدمه‌ای نخورده، ولی محافظش مجروح شده. تروریسم برای اخلال در امر انتخابات، اوج گرفته است.

اطلاع رسید که نقشه ایجاد انفجاری در مجلس را دارند. دستور مراقبت شدید دادم. آقایان مدرسی زاده و زرینی آمدند و درباره وفاداری قشقائی‌ها و لزوم مراعات آنها، مذاکره کردند. گفتم قبلاً قرار بود که سرانشان بیایند تهران، زیر نظر باشند. اینها می‌گفتند لزومی ندارد، همان جا خدمت می‌کنند.

ساعت ده صبح، در دفتر آقای رجائی در جلسه شورای عالی امنیت شرکت کردم. گزارشات اقدامات ضد تروریسم را دادند. پیروزیهای زیادی بدست آمده. به گروهک پیکار ضربه شدیدی وارد شده و دیگران هم مقاومتشان را از دست داده‌اند، تصمیماتی درباره کیفیت برگزاری انتخابات و برخورد با مخالفان اتخاذ شد. از شورای عالی قضائی، سپاه، اطلاعات، وزیر کشور و نخست وزیر هم حضور داشتند. نماز ظهر را همان جا خواندیم و برای استراحت به خانه آمدم.

عصر به زیارت امام رفتم و از ایشان تقاضا کردم که بیانیه‌ای در تشویق مردم، جهت شرکت در انتخابات بدهند. موافق نبودند. قرار شد فکر کنند و تصمیم بگیرند. برای استفاده از مبلغی از سهم امام، که برای حزب جمهوری رسیده بود و چک به نام امام نوشته شده بود، از ایشان امضا گرفتم. علی‌اخوی زاده را که از جبهه آمده بود، همراه با پاسداران به دستبوسی امام بردم. افطار را در خانه بودم. شب فتوحی همسایه آمد و از اینکه بنیاد مستضعفان فشار آورده که منزلهای توقیفی شهرام سیاح را - که در اختیار ایشان است - بگیرد وحشت داشت و کمک می‌خواست و با اینکه از جبهه ملی بوده، مدعی است با بختیار مخالف است. از طرف بنیاد هم آمده بودند و می‌خواستند، من کمک کنم که خانه‌ها تخلیه شود.

خانم دکتر منصوریان هم شب آمد و خواستار کمک در رفع مصادره اموال شوهرش بود.

---

مرداد ۱۳۶۰

[www.KetabFarsi.com](http://www.KetabFarsi.com)



پنجشنبه ۱ مرداد

۲۱ رمضان - ۲۳ جولای

امروز تعطیل است و بیشتر در منزل ماندم. وقتم صرف مطالعه تاریخ امام علی (علیه السلام) شد. جریان بیعت با امام و جنگهای بصره و صفین و نهروان را از تاریخ حبیب السیر، مرور کردم. بعد از ظهر به بیمارستان، برای ملاقات آقای خامنه‌ای رفتم و ساعتی با ایشان ماندم. حالشان بد نیست، ولی تب قطع نمی‌شود. اطباء امیدوارند با دارو تب را قطع کنند؛ درباره کابینه با ایشان مشورت کردم.

افطار، در نخست وزیری بودم. با آقایان رجائی و دکتر باهنر که کاندیدای نخست وزیری است، درباره اعضای کابینه آینده مشورت کردیم. تا ساعت یک بامداد طول کشید و تقریباً روی اعضای کابینه، با کمی اختلاف نظر توافق کردیم و امید می‌رود، پس از رسمیت آقای رجائی، به سرعت کابینه را تشکیل بدهیم.

خبر رسید که به دنبال کشف یک خانه تیمی، اجتماع امروز عصر منافقین در یک پارک، برای سازمان دادن به فعالیتهای تخریبی در انتخابات فردا، کشف می‌شود و مأموران حدود شصت نفر از آنها را در پارک بازداشت می‌کنند. موفقیت چشمگیری است. دوسه مورد هم کارهای تخریبی گزارش شده بود؛ منجمله، حمله به یک خانه حزب‌اللهی در رشت و شهید و زخمی شدن دونفر.

امروز صبح آقای عبدالله نوری (نماینده امام در جهاد) خبر شهادت حجة الاسلام اسید حسن بهشتی، کاندیدای حزب جمهوری اسلامی برای مجلس در اصفهان را داد. صبح ساعت هفت و نیم، دو نفر به خانه ایشان مراجعه می‌کنند و در درب خانه، ایشان و کودک چهار ساله برادرشان را به گلوله بستند و هر دو را شهید و فرار می‌کنند. تأثر و تنفر عظیمی در اصفهان برانگیخته، نایب امام جمعه بود و محبوب و مبارز و تشییع جنازه کم سابقه‌ای شد. این گونه اعمال برای منزوی کردن دشمن، مؤثر است.

۱ - حجة الاسلام اسید حسن بهشتی رئیس دادگاه انقلاب اسلامی شیراز ساعت ۶ بامداد، مورد سوء قصد قرار گرفت و در بیمارستان به شهادت رسید. مدارین هنگامی که این شهید در برابر روی آنها می‌گشاید، به طرفش نیراندازی می‌کنند. وی ۳۶ سال داشت و پسر عموی شهید آیت‌الله دکتر بهشتی بود.

جمعه ۲ مرداد

۲۲ رمضان - ۲۲ جولای

شب را در نخست وزیری خوابیدیم. از اول صبح، گزارش انجام انتخابات، در سراسر کشور می‌رسید. علیرغم تهدیدها و اظهارات گروه‌ها، همه جا با شرکت وسیع مردم انجام می‌شود. انتخابات ریاست جمهوری و چند نماینده میان دوره مجلس شورای اسلامی است. چند مورد خرابکاری هم بوده از جمله: انفجار یک اتومبیل در مقابل فرمانداری شهرری و شهادت یک عابر. انفجار بمبی در خیابان فرعی که در کپسول گاز گذاشته بودند و شهادت یک پاسدار و حمله به چند پاسدار در خیابانها که دوسه نفر، شهید شدند.

برخلاف پیش بینی دشمنان، انتخابات خیلی خوب برگزار شد. شرکت مردم، فوق انتظار بود. در بعضی جاها اوراق تعرفه، کم آمد و دو ساعت وقت تمدید شد. چهار کاندیدا بیشتر نداریم، آقایان محمدعلی ارجانی، اعلی اکبر پرورش، عباس اشپانی و حبیب‌الله اسکراولادی که پیش بینی می‌شود، اکثریت آراء از آقای رجانی باشد. ساعت ده صبح در دانشکده افسری، مقابل مجلس رأی دادم. دانشجویان دانشکده در یک صف طولانی، منتظر دادن رأی بودند.

به دانشگاه تهران، برای اقامه نماز جمعه رفتم. آقای عبدالله جوادی آملی سخنرانی داشت. یک خطبه را درباره استحکام و حرکت تکاملی جمهوری اسلامی و دیگری را درباره برخوردارهای امام علی (علیه السلام) ادا کردم؛ پس از نماز جمعه به خانه آمدم.

بعد از ظهر، در جلسه شورای عالی دفاع در ستاد ارتش، شرکت کردم. آقای فلاحی گزارش جبهه‌ها و آقای فکوری، گزارش رسیدن مهمات را - که نگران کمبود آنها بودیم - و آقای مهندس امیرحسین موسوی، گزارش عادی شدن آب رودخانه هیرمند را - که در جلسه گذشته فکر می‌شد، افغانها آن را منحرف کرده‌اند - دادند.

فرماندهان لشکرها را دعوت کرده بودیم. از خوزستان آمدند. اعتراض کردیم که چرا به وعده‌های حمله، عمل نشده. عذرهایی مطرح کردند و وعده کردند به زودی عمل کنند. افطار را در ستاد خوردیم و جلسه تا ساعت ده شب، ادامه داشت. برخوردارهایی بین آقای ایوسف اکلاه‌دوز، قائم مقام فرمانده سپاه و ارتشیان پیش آمد که مهم نبود. مهندس مهدی چمران هم برای سرنوشت ستاد جنگهای نامنظم چمران، شرکت داشت. قرار شد تابع ارتش باشد.

ساعت ده ونیم شب به منزل آمدم. عفت و بچه‌ها هم جایی دیگر مهمان بودند، فاطمی و سعید برای شب زنده‌داری، در مراسم احیای مرکز دانشگاه امام صادق (علیه السلام) شرکت کردند.

شنبه ۳ مرداد

۲۳ رمضان - ۲۵ جولای

اول وقت، به عیادت آقای خامنه‌ای رفتم. حالشان رضایت‌بخش است و مقداری مذاکره و مشاوره کردیم. آقای اشراقی داماد امام را که سکتۀ مغزی کرده، در همان بیمارستان قلب بستری شده‌اند، عیادت کردم. بیهوش است. خطر، قوی است. خداوند شفا دهد. پیش از ظهر، در دفتر مصاحبه‌ای با مجله سروش درباره بیت‌المقدس داشتم. آقایان احسن اروحانی و اعلی اکبرناطق نوری آمدند و درباره مدیر عامل صداوسیما، منزل و محافظت آقای احسن اروحانی صحبت شد.

آقای [فضل الله] محلاتی و آقای سرفرازی آمدند و درباره همکاری با روحانیت مبارز بحث شد و آقای سرفرازی، پیشنهاد رفتن به کشورهای خلیج فارس، برای هماهنگ کردن تبلیغات دینی آنجا را داشت.

عصر، با سفرای یوگسلاوی، آلمان شرقی و کوبا ملاقات کردم. همگی از روابطشان با ماراتی و خواستار توسعه آن بودند و درباره همکاری در اتحادیه بین‌المجالس در کوبا، پیشنهاداتی داشتند. افطار را در نخست وزیری، با آقایان رجائی، احمدخمینی، موسوی اردبیلی، تیمسار فلاحی و سرهنگ فکوری، صرف کردم. فلاحی از عملکرد دادگاه انقلاب و انجمنهای اسلامی و سلب امنیت شغلی افسران، شکایت داشت و چاره‌جویی می‌کرد. بعد از بحث زیاد، قرار شد آنها با این نهادها گرم بگیرند و تعارضهای زمان بنی‌صدر، که عامل این موضعگیریهاست، جبران شود و با هم کمک به رفع تضادهای کنیم و به آنها اعتماد دادیم. درباره هواپیمای فراری به مصر، توسط خلبان خیرخواه که کودتاچی آزاد شده است، بحث شد. معلوم شد، فریب داده و به دروغ مدعی قتل شدن فرمانهای هواپیما شده و فرار کرده و به مصر پناهنده شده و چهار نفر همراه او، خواهان مراجعت به ایران‌اند. فردا با هواپیما برمی‌گردند.



یکشنبه ۴ مرداد

۲۳ رمضان - ۲۶ جولای

شب را در نخست وزیری خوابیدم. چون آخر شب، خبر دادند که افراد مشکوکی در باغچه مجاور منزل دیده شده‌اند و بچه‌ها هم به همین دلیل در خانه نمانده‌اند. اول وقت، به دفترم رفتم. سحری را در نخست وزیری خورده بودم. گزارشها را خواندم. صبح، جلسه علنی بعد از یک هفته تعطیلی داشتیم. با سه ربع ساعت تأخیر، شروع شد. طرح مطبوعات، کلیاتش تصویب شد. اعتبار نامه نمایندگان کاشمر و سراوان هم تأیید شد و شور اول مهلت دادن ترانامه به شرکتهای ملی شده هم تصویب شد. ظهر آقای شجاعی نماینده زنجان که متهم به طرفداری از بنی صدر بوده، مراجعه کرد و از اینکه جمعی از مردم زنجان ایشان را عزل کرده و به ایشان اهانت می‌کنند، گله داشت و درباب استعفا به خاطر همین و به خاطر کسالت، مشورت می‌کرد. من نظر مخالف با استعفا دادم و فرار شد مدتی صبر کند، تا وضع عادی شود.

به تعدادی از نامه‌های تبریک و تسلیت که از رؤسای مجالس دنیا رسیده بود، جواب دادم. عصر، در کاخ وزارت خارجه، در جلسه شورای مرکزی حزب، شرکت کردم. درباره مراسم روز قدس و چهلم هفتاد و دو شهید و مسائل جاری بحث شد و کمی هم درباره کابینه. افطار به خانه آمدم. شب آقای مطهری - بازاری - برای حساب وجوه شرعی به منزل آمد. عصر با روزنامه اطلاعات مصاحبه‌ای درباره اسرائیل و فلسطین کردم.<sup>۱</sup>

دوشنبه ۵ مرداد

۲۵ رمضان - ۲۷ جولای

ساعت هفت به مجلس رفتم و گزارشها را خواندم و جواب چند نامه را دادم و خاطرات عقب مانده را نوشتم. ساعت هشت به جلسه علنی مجلس رفتم. بحث، درباره لایحه اراضی شهری آغاز شد. مسأله بسیار مهمی است<sup>۲</sup> و پنج ماده از ۱۶ ماده لایحه و اعتبارنامه نماینده سیرجان و نماینده رودسر تصویب شد.

ظهر آقای سازگارنژاد، نماینده سروستان شیراز آمد و از مزاحمت حزب اللهی‌ها نسبت به

۱ - کتاب هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های ۱۳۶۰.

۲ - در ماده ۵ این قانون چنین آمده است: کلیه زمینهای موات شهری در اختیار دولت جمهوری اسلامی است و اسناد و مدارک ملکیت گذشته، ارزش قانونی ندارد، مگر آنکه از تاریخ ۲۲ بهمن ۵۷ توسط دولت واگذار شده باشد.

ایشان و اتهام امتی بودن، گله داشت و کمک خواست. عصر با خبرگزاری پارس مصاحبه‌ای درباره اسرائیل و فلسطین به مناسبت روز قدس داشتم<sup>۱</sup>. آقای داودی کاندیدای مجلس شورای اسلامی از لنگرود آمد و از انتخابات میان دوره‌ای - که شکست خورده بود - شکایت داشت. ساعت پنج بعد از ظهر، در شورای عالی دفاع در نخست وزیری، شرکت کردم. آقای فلاحی گزارش جبهه‌ها را داد. حمله لشکر ۱۶ موفق بوده و غنائم و اسرای زیادی گرفته‌اند. دشمن را از شمال کرخه کور، عقب رانده‌اند، ولی در دزفول لشکر ۲۱ فتح، عمل نکرده و در آبادان هم حمله لشکر ۷۷ خراسان، بی نتیجه مانده است.

سرهنگ دهقان، گزارشی از خریدهای موفق مهمات داد که از شرقیها و غربیها خریده‌اند و مشغول وارد کردن هستند. ایشان مدعی است، از اول جنگ تا کنون نزدیک بیست میلیارد دلار، مهمات مصرف کرده‌ایم. رقم عظیمی است. احتمالاً اغراق آمیز است.

سرهنگ نامجو و کلاهدوز، گزارشی مبنی بر تقصیر نیروی هوایی، در عدم حمله به مرکز کنفرانس سران ضدانقلاب در کردستان که از طرف استاندار ارومیه خواسته شده بود، دادند و قرار شد پس از بررسی، تنبیه شوند.

آقای ام‌مصطفی امیرسلیم راجع به بازسازی شهرهای جنگ زده، مشورت کرد و نظر خواست و شکایتی از صنایع نظامی به خاطر عدم کارائی، مطرح شد. افطار در مجلس ماندم. اول شب به عیادت آقایان خامنه‌ای و اشراقی رفتم. حال آقای خامنه‌ای بهتر است و حال آقای اشراقی خطرناک. بعضی از برادران دلسوز توصیه نمودند که این همه به بیمارستان بروم، به خصوص که منافقین قبلاً در مریضخانه، نفوذ زیادی داشته‌اند و اسم آن را بیمارستان مهدی رضائی گذاشته‌اند و می‌توانند در آنجا کمین برای ما برقرار کنند، اما با توجه به اشتیاقی که به ملاقات آقای خامنه‌ای دارم و نیز ضرورت مراقبت از ایشان، ترجیح می‌دهم بروم.

سه شنبه ۶ مرداد

۲۶ رمضان - ۲۸ جولای

جلسه علنی داشتیم و طرح قانونی اراضی شهری مطرح بود. دو سه ماده تصویب شد. مجلس تمایل شدیدی به دولتی کردن اراضی شهری دارد، ولی فکر می‌کنم شورای نگهبان

نسبت به خیلی از مصوبات مجلس، مخالفت نماید.

آقای مهندس امهدی بازارگان، برای آقای شیخ علی تهرانی - که در مشهد بازداشت شده - کمک می‌خواست و آقای انواری برای آقای مروارید که به منزلش ریخته‌اند و تجسس کرده‌اند. ظہر طبیعی عراقی، پناهنده به ایران، آمد و کمک خواست.

آقای پویا، صاحب روزنامه انگلیسی زبان "مسلمین" در پاکستان آمد و از اوضاع پاکستان گفت. عصر مصاحبه‌ای متصل با روزنامه جمهوری اسلامی داشتم<sup>۱</sup>. مهندس اعزت‌الله سجایی آمد و راجع به فرزندش که در رابطه با مجاهدین خلق بازداشت شده، کمک خواست.

شب در دفتر من، جلسه مشورتی داشتیم. آقایان رجائی، اموسوی اردبیلی، باهنر، نبوی و احمدآقا [برای] افطار آمدند و درباره روز و مراسم تنفیذ ریاست جمهوری آقای رجائی، از طرف امام و تعیین فرمانده کل قوا از طرف امام، بحث کردیم. قرار شد آقای رجائی باشد. درباره اعضای کابینه بحث شد.

ساعت نه ونیم، خبر زلزله شدید کرمان رسید و با استاندار کرمان مرتباً در تماس بودیم. زلزله هفت ریشتر بوده و کرمان و یزد و جنوب خراسان و بندرعباس را لرزانده و تلفات زیاد دارد.

ساعت یازده، خبر فرار یک هواپیمای بوئینگ سوخت رسانی نظامی از فرودگاه تهران رسید. دستور تعقیب و برگرداندن آن را دادیم. ساعت دوازده خبر دادند که وارد ترکیه شده و از دست ماکاری برنمی‌آید و خلبان آن، همان سرهنگ معزی خلبان مخصوص شاه است که هواپیمای شاه را به ایران آورده بوده.

وصیت‌نامه محمد رضا سعادت، عضو کادر مرکزی مجاهدین خلق - که در زندان اعدام شده - مطرح شد، سازمان را محکوم کرده؛ قرار شد پخش شود. وصیت‌نامه جالبی است و ممکن است برای دادگاه انقلاب، خوب تمام نشود.

شب، در دفترم خوابیدم. آقایان رجائی، باهنر و اموسوی اردبیلی هم خوابیدند سحری هم همان جا خوردیم. ضمن سحری بحثیائی داشتیم و تصمیماتی.

چهارشنبه ۷ مرداد

۲۷ رمضان - ۲۹ جولای

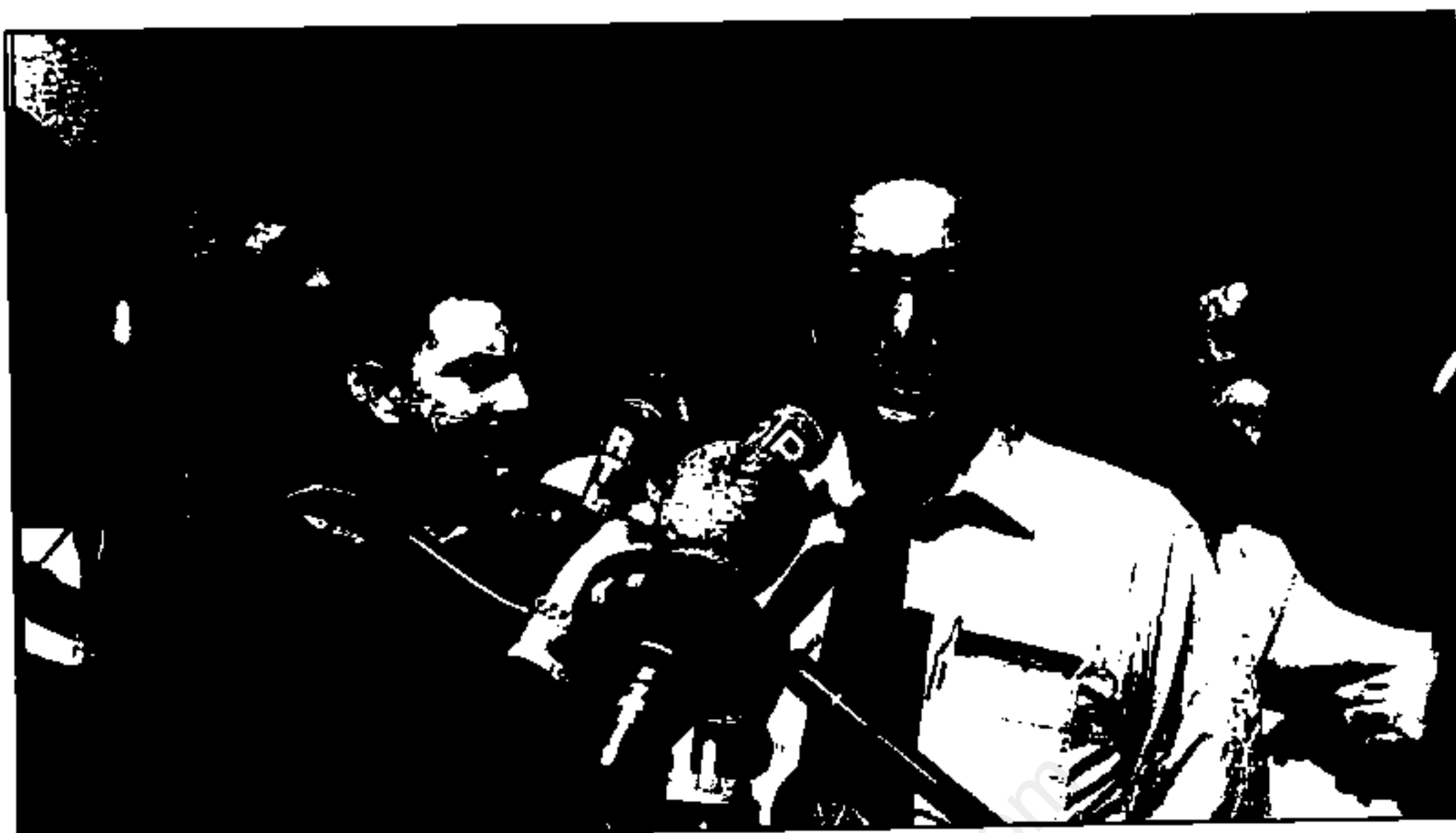
ساعت هشت صبح، جلسه علنی در مورد طرح اراضی شروع به کار کرد. از زلزله کرمان، ابعاد وسیعی گزارش می‌رسد. تاکنون بیش از هشتصد جنازه در آمده که تلفات خیلی بیش از اینهاست.

ساعت یازده گزارش رسید که بنی صدر و مسعود رجوی، سرنشین هواپیمای فراری هستند و امروز صبح به پاریس رسیده‌اند و فرانسه به بنی صدر، پناهندگی سیاسی داده. خبر تلخی است. مأموران می‌گفتند تا حدودی به سرنخهائی در مورد محل اخفای آنها رسیده‌اند. اصلاحیه‌ای درباره لایحه بودجه به دنبال مخالفت شورای نگهبان، در مورد بهره در منبع در آمد دولت به عمل آمد.

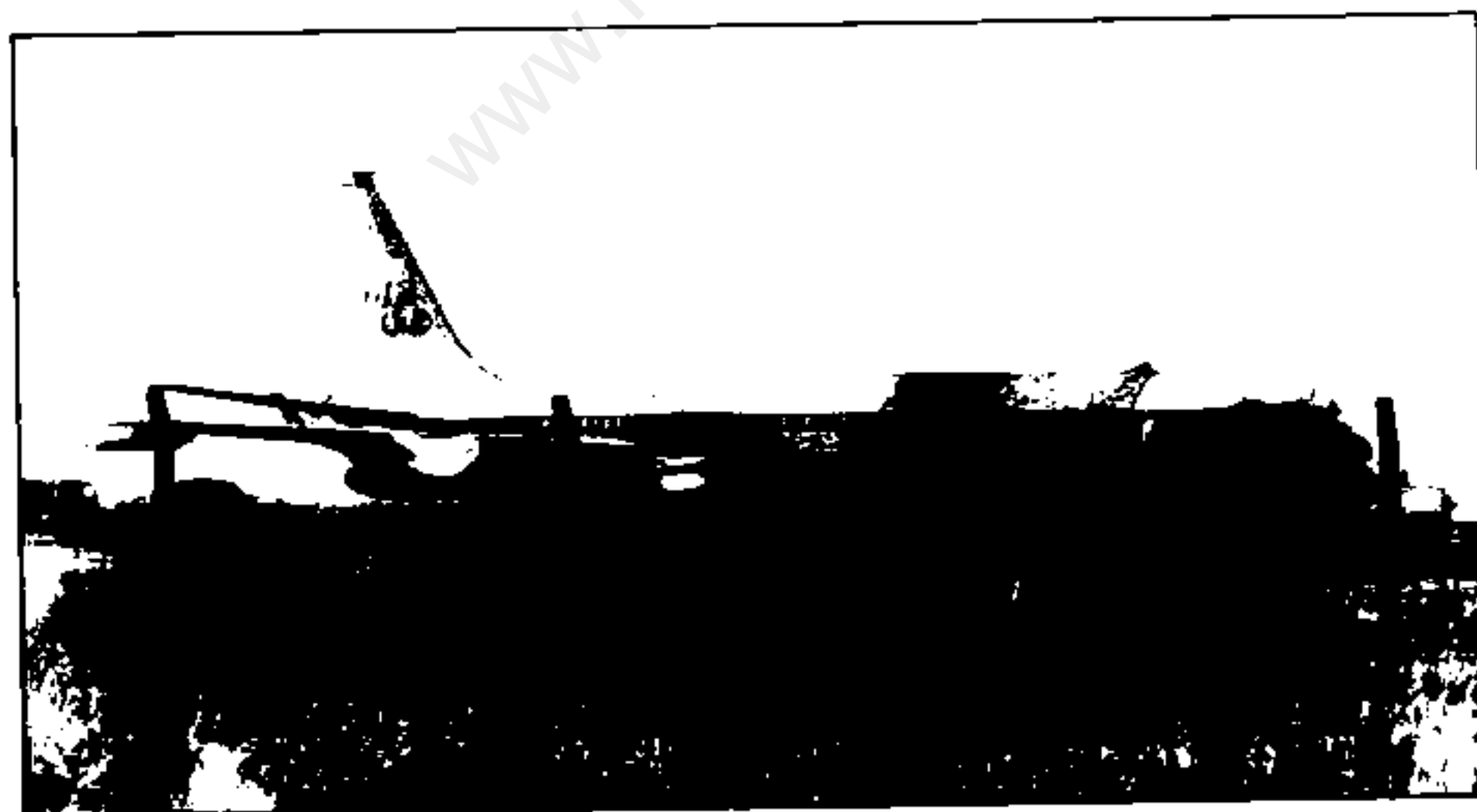
اعتبارنامه آقای فهیم کرمانی، مطرح شد. آقای حجتی کرمانی مخالفت کرد و به کمیسیون تحقیق ارجاع شد. ظهر، خبر ترور و شهادت حجة الاسلام سید رضا کامیاب نماینده مشهد - که تازه انتخاب شده - رسید. از دوستان بسیار فعال و ارزنده بود که از دست دادیم. ظهر گروهی از همافران آمدند و خیلی ناراحت بودند و خواهان تصفیه فوری در نیروی هوائی بودند. با توجه به فرار بنی صدر یا هواپیمایی از این نیرو.

در دفتر آقای رجائی، فوراً جلسه با حضور آقای موسوی اردبیلی و سرهنگ فکوری فرمانده نیروی هوائی تشکیل دادیم. سرهنگ فکوری خیلی ترسیده و تعادل خود را از دست داده ابوداؤ می‌گفت، نیروی هوائی با این دو مورد فرار هواپیما متزلزل شده است. گفتیم زمینه خوبی برای تصفیه ضدانقلاب در نیرو پیش آمده. با مشورت انجمن اسلامی، سیاسی - ایدئولوژی نیرو و دادگاه انقلاب ارتش، تصمیمات مهمی گرفتیم. ستاد فرماندهی و فرماندهان پایگاهها را عوض کردیم. جانشین فرمانده را آقای سرهنگ معینی قرار دادیم. اختیارات آقای فکوری را به معینی دادیم.

به بیمارستان قلب رفتم. آقای خامنه‌ای، حالشان خوب است و موافق این تغییرات بودند. به زیارت امام رفتم. امام هم موافقت کردند. با امام، قرار زمان تنفیذ ریاست جمهوری را گذاشتیم. افطار به خانه آمدم. یکی از سپاهیان آمد و گزارشی از فعالیت دوستانش در خارج، در رابطه با ضدانقلاب داد و در مورد تصفیه رفتای ابوشریف در سپاه، کمک خواست.



ابوالحسن بنی صدر و مسعود رجوی هنگام ورود به فرانسه



گزارش رسید که بنی صدر و مسعود رجوی ، سرنشین هواپیمای فراری هستند...

پنجشنبه ۸ مرداد

۲۸ رمضان - ۲۰ جولای

دوروز تأخیر نوشتن خاطرات را جبران کردم. ساعت هشت صبح، به مجلس رفتم. جلسه علنی و بحث طرح اراضی شهری را داشتیم. پیش از دستور، درباره فرار بنی صدر صحبت کردم. به خاطر سقوط نصاب لازم (۱۸۰ نفر) نتوانستیم جلسه را ادامه دهیم و ساعت ده، جلسه تعطیل شد. نمایندگان از فرار بنی صدر ناراحت‌اند و اعتراض به ضعف کنترل دولت دارند. مقداری از وقت، صرف توجیه وضع موجود شد.

گزارشی رسید که با توطئه بنی صدر، رجوی، قاسملو و حمایت آمریکا، ممکن است، آشوبی در غرب کشور به وجود آید. با حضور آقایان رجائی، موسوی اردبیلی، ایوسف اکلاه‌دوز، امحسن ارضائی و اموسی انامجو جلسه‌ای در دفتر من تشکیل شد و رسیدگی نمودیم و تصمیماتی اتخاذ شد.

بعد از ظهر، ملاقاتی با سفیر کره شمالی داشتم، از توسعه روابطشان با ایران و تنزل روابط ما با کره جنوبی خوشحال بود. برای تعیین وقت سفر من به کره شمالی آمده بود، که در ماه شهریور تعیین شد. اصرار داشت که به کره جنوبی نروم، قول ندادم، آقای رفیعی و خانم تیموری، دو عضو جدا شده از مجاهدین خلق آمدند و درباره مشکلاتی که در راه جذب آنها به خدمت انقلاب وجود دارد، چاره‌جویی می‌کردند.

از سازمان بهزیستی هم آمدند و درباره وزیر جدید بهزیستی، مذاکره کردند. افطار به خانه آمدم. شب آقایان میناچی، تحریریان، حاج طرخانی و نوید آمدند و درباره اوضاع جاری سیاسی و تورم و ... بحثهایی داشتند. ساعت دوازده خوابیدیم.

جمعه ۹ مرداد

۲۹ رمضان - ۲۱ جولای

امروز با اعلان امام، روز جهانی قدس است. امام بعد از پیروزی انقلاب، جمعه آخر هر ماه مبارک رمضان را، "روز قدس" اعلان نمودند. راهپیمایی در سراسر ایران انجام شد. در دانشگاه تهران جمعیت عظیمی حضور داشت. مهندس موسوی وزیر خارجه، سخنرانی قبل از نماز جمعه داشت و امام به مناسبت روز قدس پیام مفصلی داده بودند که حاج احمد آقا خمینی



قرائت پیام امام خمینی توسط حاج سید احمد خمینی

قرائت کرد. من خطبه خواندم و نماز را به جا آوردم!

پیش از نماز، وزارت خارجه اطلاع داد که سفارت شوروی کار فوری دارد و می خواهد مرا ببیند. گفتم ساعت ۲ بعد از ظهر بیایند مجلس. برای دیدن به مجلس رفتم. کاردار سفارت آمد، فارسی هم خوب می داند. گفتم از شوروی به من دستور داده اند، مطلبی سری را به شخص امام بگویم و دیشب از امام وقت ملاقات خواسته، امام گفته اند که به من مراجعه کنند و به من بگویند و گفت مقامات رسمی شوروی، مطلع شده اند که در پاریس، سلطنت طلبها متحد شده و نوطنه ای در دست اجرا دارند. اطلاعاتی در اختیار گذاشت. ولی سرنخ روشنی نداد. در ضمن، مراتب دوستی شوروی را اعلان نمود و از اینکه در ایران، علیه شوروی شعار می دهند و به آنها ستمگر می گویند، گله داشت. من توضیحاتی دادم و گفتم ملت ما با مارکسیسم مخالف است. تجاوز به افغانستان، از طرف شوروی، اثر بدی روی مردم گذاشته.

عصر، در شورای امنیت شرکت کردم و گله های ارتش را مطرح کردم و تصمیماتی اتخاذ کردیم. توسط احمد آقا به امام پیغام دادیم و از امام نظر خواستیم. امام با تغییراتی در ارتش، برای اطمینان بیشتر، موافقت کردند.

عصر، شورای عالی دفاع داشتیم. گزارش جبهه ها، صنایع نظامی و مهماتی را که در ایران می سازیم، دادند. رفته رفته، صنایع فعال می شود. افطار را در نخست وزیری ماندیم و جلسه شورا تا ساعت ده شب ادامه داشت.

مسئول بسیج عشایر، گزارشی از وضع عشایر غرب در جبهه ها و سلاحهایی که به آنها داده ایم، روابط با طالبانی ها و توقعات آنها و همکاریشان با کومله و دمکراتها داد.

شنبه ۱۰ مرداد

۳۰ رمضان - ۱ اگوست

امروز جلسه مجلس نداشتیم. در خانه، کارهایی انجام دادم. سلمانی آمد برای اصلاح و سپس برای عیادت آقای خامنه ای به بیمارستان رفتم. افسرده شده اند و ضعیف. آقای اشراقی هم هنوز در اغماء هستند.

نزدیک ظهر به مجلس رفتم. گزارشها را خواندم و کارهای اداری را انجام دادم. احمد آقا

۱ - صحیفه نور، جلد ۸ - سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۳، صفحه ۵۴۷

۲ - کتاب هفتمی رهنمائی، خطبه های جمعه ۱۳۶۰، جلد اول.



تلن کرد و مشورتیایی داشت. عصر مصاحبه‌ای با تلویزیون اسپانیا و مصاحبه‌ای با تلویزیون نروژ داشتم<sup>۱</sup> و ملاقاتی با آقای سنیر هندوستان که آمدن نمایندگان غیر متعهدها، در مورد جنگ با عراق را زمینه سازی می‌کرد.

انجمن اسلامی بانکها آمدند و از ادامه خط بنی صدر در بانکها، شکایت داشتند. کم کم دارند با امحسن انوربخش هم، مخالفت می‌کنند. انجمن اسلامی صنایع نظامی هم، همراه آقای اعلی محمد ابشارتی آمدند و نارضايتها را می‌گفتند.

گزارشهای شهربانی و خبرگزاری پارس را خواندم. ترور و تخریب زیاد است. از تحقیقات سپاه پاسداران هم آمدند و گله از عدم تصفیه افراد ناسالم داشتند. درباره یک کارمند اخراجی هم بررسی کردم، ظاهراً بی تقصیر است؛ باید جلوی این افراط کاریها گرفته شود.

افطار به خانه آمدم. عفت، مهدی و یاسر به رفسنجان رفته‌اند و فاطمی و سعید در خانه بودند. شب آقای دعاگو و شیخ عطار آمدند و برای حزب، مبلغی کمک آوردند و آقای اسید محمود دعاگو برای حفاظت خودشان و کاری در خارج حزب و رسیدن من به کار تنظیم فیشهای قرآن، مذاکره داشت.

یکشنبه ۱۱ مرداد

۱ شوال - ۲ اگوست

بعد از نماز، مقداری مسائل فطریه و نماز عید را مطالعه کردم. ساعت هشت صبح، به دانشگاه رفتم برای اقامه نماز عید. جمعیت عظیمی آمده بودند. راستی که مردم، خیلی خوبند. همه دانشگاه و خیابانهای اطراف، صبح زود مملو از جمعیت بود. نماز را خواندم و دو خطبه ایراد کردم<sup>۲</sup>.

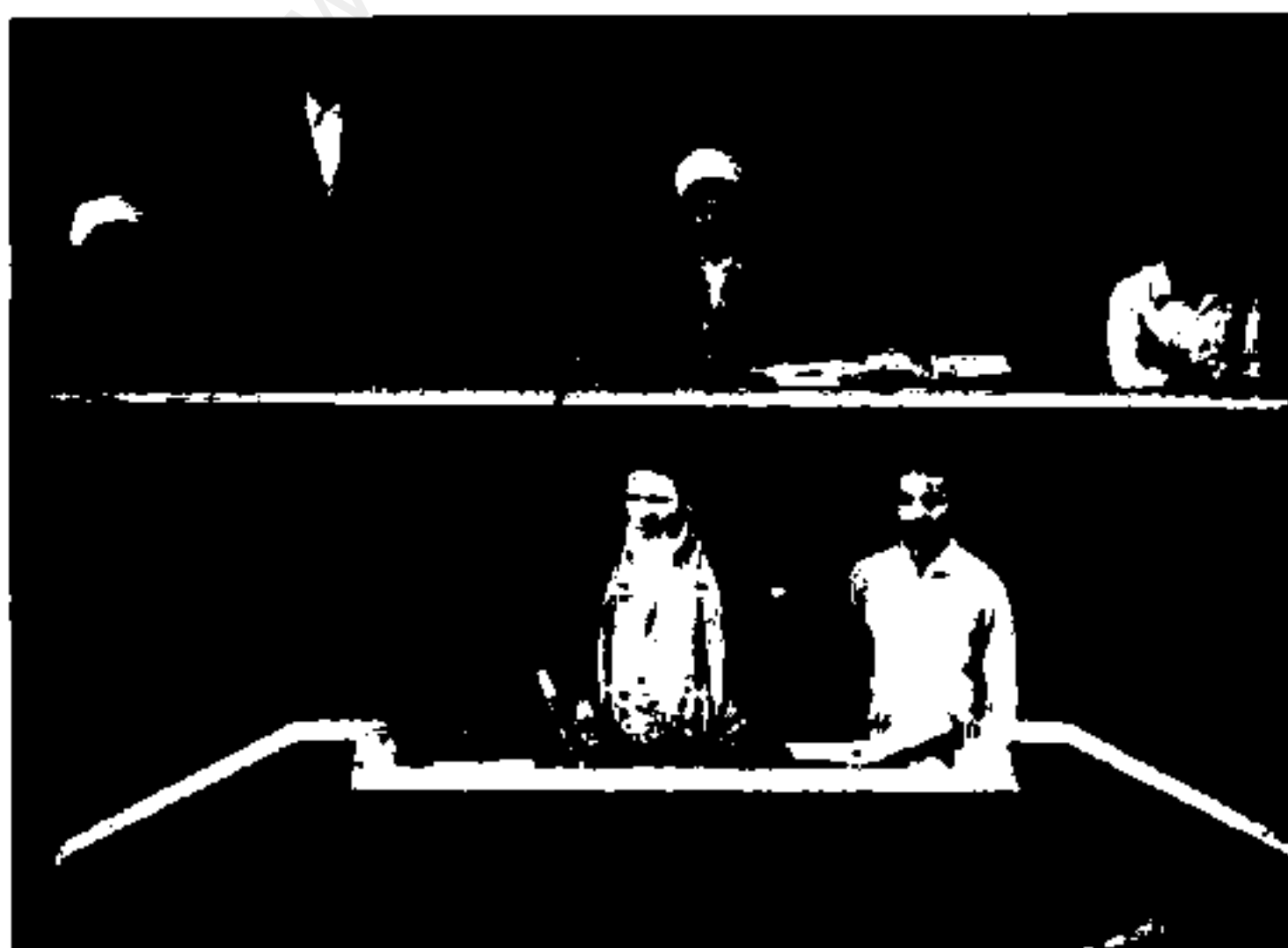
سپس سری به بیمارستان قلب زدم. آقای خامنه‌ای لباس پوشیده و آماده رفتن به منزل امام، برای شرکت در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری آقای رجائی بودند. به شرف آمدم. به خانه برگشتم و سپس به منزل امام در جماران، برای شرکت در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری رفتم. نمایندگان مجلس، وزرا، شورای عالی قضائی، شورای نگهبان، فرماندهان ارتش و سپاه و جمع کثیری از شخصيتهاي کشور، حضور داشتند و متفرقه راه نمی‌دادند، به

۱. کتاب هاشمی رفسنجانی - مصاحبه‌های ۱۳۶۰.

۲. کتاب هاشمی رفسنجانی - خطبه‌های جمعه ۱۳۶۰ - جلد اول.



مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری توسط امام خمینی



مجلس شورای اسلامی  
مراسم تحلیف ریاست جمهوری آقای محمد علی رجائی با حضور  
رئیس دیوان عالی کشور آیت الله موسوی اردبیلی

خاطر ملاحظات امنیتی؛ خیلی‌ها به طور کلی در این اوضاع شروع تروریسم، مخالف تشکیل چنین جلسه‌ای بودند. اما ملاحظات سیاسی و روانی ترجیحی برای تشکیل مجلس داشت. ساعت یازده امام آمدند. حضور آقای خامنه‌ای هم جالب بود. امام، صحبت‌های خوبی کردند و آقای رجائی، اظهارات خوبی داشت. ظهر به خانه آمدم و ناهار را با فاطمی و سعید و فائزه صرف کردیم. جای عفت، محسن، مهدی و یاسر خالی بود. بعد از ظهر، سید محمد باقر حکیم آمد و درباره نیازهای مجاهدان عراقی از من کمک خواست. با آقای سید مهدی هاشمی، تلفنی صحبت کردم و خواستم بیشتر توجه کند. ایشان یکی از مسئولان ستاد کمک به نهضت‌های آزادیبخش است. شهید محمد منتظری هم عضو دیگر بود، که جایش خالی است. آقای حسین یوسفی پاسدار، دختر نوزادش را آورد که در گوشش اذان و اقامه بگویم. خوشبختانه امروز صبح، خانمی مقداری زینت آلات خود را به من داده بود که به پاسدارها بدهم، یک نیم پهلویش را به او دادم. قرار بود در جلسه‌ای در نخست وزیری، برای مشاوره در امر کابینه شرکت کنم. با آقای رجائی تلفنی صحبت کردم. گفتند خیلی ضرورت ندارد.

دوشنبه ۱۲ مرداد

۲ سوال - ۲ آگوست

جلسه‌ی علنی داشتیم. یک ساعت زودتر به مجلس رفتم. گزارشها را خواندم. طرح اراضی شهری در دستور بود. بیست و هفت نفر نماینده جدید، مراسم تحلیف به جای آوردند. با حضور آقایان، مجلس نیرومندتر شده است. مراسم تحلیف ریاست جمهوری آقای رجائی را هم داشتیم. رئیس دیوان عالی کشور، شورای نگهبان و هیأت وزرا هم حضور داشتند. بعد از ظهر، گروهی از دانشگاهیان آمدند و راجع به کارکرد ستاد انقلاب فرهنگی اعتراض داشتند و پیشنهاد انحلال آن را و وزارت علوم را برای دکتر گلشنی می‌دادند.

کیانوری و عموئی از حزب توده آمدند. گزارشی از فعالیت ضدانقلابی یک گروه کمونیستی به نام اتحادیه کمونیستها و دادن اسلحه به انشعاییون کردستان، از دموکراتها برای جنگ با آنها و حرکت ضدانقلاب در مرزهای ترکیه با ایران دادند.

ساعت پنج بعد از ظهر، در شورای عالی دفاع شرکت کردم. گزارش جبهه‌ها را دادند که راکد است. پیشنهاد فرماندهی غرب را برای آقای سرهنگ صیادشیرازی نمودیم که نظامیان را خوش نیامد و گزارشی از عدم پیشرفت کار تعمیر ناو میلانیا و حمله به تأسیسات نفتی تکریت

عراق داده شد. آخر وقت آقای ظهیرنژاد، از پیشرفت تیپ ۸۲ خرم آباد در عین خوش و دهلیز خبر داد.

شب، در دفتر آقای رجائی با آقای باهنر جلسه داشتیم و درباره کابینه بحث کردیم و پیشرفتهائی داشتیم. عصر در نزدیکی نخست وزیری، بمب نیرومندی منفجر شد و باعث مرگ دوسه نفر عابر و جراحت جمعی از عابران و تخریب چند اتومبیل گردید و بمبی هم در کرمانشاه در میدان آزادی منفجر شده و دهها نفر را کشته و ۳۵ نفر را زخمی کرده. مهندس امیرحسین اموسوی وزیر خارجه، شب در جلسه ما شرکت کرد و تحلیلی درباره تروریسم مجاهدین خلق، ارائه داد که خیلی قوی نبود. شب را در همان دفتر آقای رجائی، خوابیدیم.

سه شنبه ۱۳ مرداد

۳ سوال - ۴ آگوست

صبح زود، از دفتر ریاست جمهوری، پس از صرف صبحانه به مجلس رفتم. ساعت هفت ونیم، جلسه علنی شروع شد. خبر شهادت امام جماعت بهبهان و امام جمعه کازرون در اثر ترور رسید و سوء قصد به جان آقای حسنی نماینده ارومیه و نجات ایشان و جراحت فرزند و پاسدارش. نامه آقای رجائی مبنی بر معرفی دکتر باهنر به عنوان نخست وزیر مطرح شد و بحث درباره طرح اراضی شهری بود. آخر وقت، جلسه غیر رسمی غیر علنی برای مشورت در امر نخست وزیری آقای باهنر داشتیم. عده‌ای از دوستان به دلیل روحانی بودن و ادعای کم تحرک بودن ایشان، مخالف بودند و عده‌ای به خاطر عدم مشورت قبلی با آنها.

گروهی از دانش آموزان ممتاز دختر و پسر استان لرستان - که به اسم اردوی شهید مظلوم دکتر بهشتی - به تهران آمده‌اند، به مجلس آمده بودند. با آنها ملاقات کردم، سرودی خواندند و کمی برایشان صحبت کردم. آقای سجادی آمد. دو سند زمین ۴۰۰ متر مربعی برای طلاب قم به ایشان دادم<sup>۱</sup>.

عصر مصاحبه‌ای با رادیو تلویزیون در مورد انقلاب سوم و شهادت ۷۲ تن داشتم<sup>۲</sup>. سپس در جلسه شورای امنیت شرکت کردم. جلسه پنج ساعت طول کشید. درباره کیفیت مبارزه با

۱ - آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، از زمان پیش از انقلاب، مالک تعداد زیادی قطعه زمین در سالاریه قم بودند که پس از پیروزی انقلاب اکثر آنها را به طلاب و مردم بی‌بضاعت به صورت اهدائی و بلاعوض، واگذار کردند.

۲ - کتاب هاشمی رفسنجانی - مصاحبه‌های ۱۳۶۰.

ضدانقلاب بحث شد و تصمیماتی اتخاذ گردید. شب به خانه آمدم. عفت، مهدی و یاسر از رفسنجان آمدند و فاطمی و سعید در خانه بودند. احمد آقا [خمینی] تلفن کرد و درباره ترکیب کابینه، حرف داشت. آقایان [مرتضی الویری و اسدالله ایبات] تلفن کردند و درباره مراسم چهلم ۷۲ شهید و مخالفت بعضی از رفقا، با نخست وزیری آقای باهنر صحبت کردند. آخر شب، آقایان رجائی و باهنر تلفن کردند و از این مخالفتها نگران بودند. قرار شد فردا فکری بکنیم. آقای اسدالله تجریشی آمد و درباره تقویت کمیته‌ها، پیشنهاد داشت.

چهارشنبه ۱۴ مرداد

۴ سوال - ۵ اگوست

اول وقت به مجلس رفتم؛ برای اینکه قبل از شروع جلسه، وضع آراء نمایندگان را نسبت به نخست وزیری آقای باهنر بسنجم و فکری بکنم که وضع بدی پیش نیاید. عده از دوستان مخالف بودند و قرار شد از مجلس استفسار کنیم. اگر موافق است، مقداری غیر رسمی و غیر علنی بحث کنیم. مجلس موافقت کرد و مخالفان و موافقان صحبت کردند. مخالفان حرف حسابی نداشتند. لیبرالها هم موافق بودند. آقای رجائی هم شرکت کرد و صحبت‌های خوبی نمود. رأی‌گیری کردیم، ۱۳۰ نفر از ۱۶۸ صاحب رأی، موافق بودند و ۱۴ نفر مخالف و ۲۴ نفر ممتنع و ۲۹ نفر هم از آنها که اعتبار نامه‌شان تصویب نشده، با نامه‌ای موافقت خود را اعلام داشتند.

خبر رسید که دکتر [حسن] آیت را ترور کرده‌اند و شهید شده است<sup>۱</sup> و دو پاسدارش مجروح؛ خیلی متأثر شدیم و مردم خیلی عصبانی و حق هم دارند، زیرا هر روز تعدادی از شخصیت‌های نامدار انقلاب ترور و شهید می‌شوند و اگر وضع مدتی دیگر به همین منوال باشد، از نیروهای انقلابی سابقه‌دار کسی نمی‌ماند.

مشکل هم اینجا است که مجاهدین، سالها به عنوان نیروی خودی، در بین ما بوده‌اند و اطلاعات کامل از وضع ما و موقعیت افراد، و راه وصول به آنها را در اختیار دارند. و بعد از

۱ - شهید دکتر حسن آیت نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی و عضو شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی، ساعت ۶/۵۰ دقیقه صبح روز چهارشنبه ۱۴ مرداد ۱۳۶۰ هنگامی که در حال خروج از خانه‌اش بود، مورد حمله قرار گرفت و به شهادت رسید.

وی پس از انقلاب به عنوان نائب رئیس مجلس خبرگان، نقش مؤثری در تصویب مواد مربوط به ولایت فقیه ایفا کرد. شهید آیت همچنین در افشاگری علیه بنو صدر بسیار فعال بود.



شهید دکتر حسن آیت



انقلاب عوامل خود را به طور ناشناس، در خیلی از جاهای حساس نفوذ داده‌اند. امروز همه تلفنها، حاکی از خشم مردم نسبت به ضعف کنترل امنیتی ما بود.

بحث، درباره طرح اراضی شهری بود. بعد از ظهر جلسه هیأت رئیسه داشتیم و بیشتر بحثها درباره تأمین امنیت نمایندگان بود و تصمیماتی گرفتیم. من جمله اینکه به همه پیشنهاد شود که در مجلس یا خانه‌های اطراف مجلس بمانند، تا چند هفته‌ای که از شدت تروریسم کاسته شود. عصر چند عقد ازدواج برای پاسداران انجام دادم. سپس در جلسه شورای حزب جمهوری در دفتر آقای باهنر، شرکت کردم. آنجا هم بحث در امنیت و کابینه بود.

شب، جلسه مشاوره‌ای با شرکت آقایان رجائی، باهنر، موسوی اردبیلی، احمد آقاخیمینی و بنزادنبوی در دفتر من داشتیم. درباره ارتش، سپاه، کابینه و دادگاههای انقلاب بحث کردیم. شب را در دفترم خوابیدم و بقیه هم در همان جا خوابیدند.

## پنجشنبه ۱۵ مرداد

## ۵ سوال - ۱۶ اگوست

امروز جلسه را یک ساعت دیرتر - ساعت هشت - اعلان کردیم که نمایندگان برای آمدن به مجلس مجبور نباشند، در ایحظات خلوت خیابانها بمانند و زمان بیشتری در اختیار داشته باشند که در ساعات مختلف حرکت کنند. بعد از سخنرانیهای قبل از دستور، من درباره ترورها و به خصوص ترور آیت و ضعف عملکرد شهربانی صحبت کردم. مقداری هم در طرح اراضی شهری بحث کردیم. نیم ساعتی هم جلسه را غیر رسمی کردیم و درباره تصمیمات امنیتی و حفاظتی، صحبت شد. یک ساعت، زودتر جلسه را ختم کردیم که جنازه آقای آیت تشییع شود. جنازه را در سالن آورده بودند و مردم در خیابان اجتماع کرده بودند، آقای اعلی اکبر اناطق نوری سخنرانی کردند.

ظهر، جمعی از دوستان آمدند و راجع به گروه گرانی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی صحبت کردند. من سعی کردم آنها را از کارهای اختلاف انگیز، باز دارم.

آقای اسیدکاظمی اکرسی نماینده بهار و کبوتر آهنگ هم آمد و راجع به برگشتن به کار اجرایی مشورت داشت. عصر گروهی از پزشکان آمدند و راجع به وزیر بهداشت حرف داشتند.

از عملکرد وزیر فعلی بهداری راضی نبودند. آقایان مدرسی آمدند و راجع به حمایت بیشتر از نهضت‌های آزادیبخش و تبلیغات خارجی، پیشنهاد داشتند.

عصر، کمیسیون آئین‌نامه هم داشتیم و مراسم با شکوهی در بهشت زهرا برای چهلم ۷۲ تن شهید حزب جمهوری اسلامی برگزار شد.

شب، جمعی از دوستان آمدند، برای ترتیب کلاسهای و تدریس یک دوره اسلام‌شناسی که فیلم تهیه شود و برای تدریس در همه جا به کار رود. من هم هشت ساعت، درباره فلسفه تاریخ را پذیرفتم. آقایان جوادی آملی، باهنر، امامی کاشانی، خزعلی، عبدالمجید معادیخواه و مهدوی‌کنی هم پذیرفتند. شب را در دفتر کارم خوابیدم.

جمعه ۱۶ مرداد

۶ سوال - ۷ اگوست

اول وقت، در دفتر کارم مشغول مطالعه شدم. خطبه‌های نماز جمعه را تنظیم کردم. تا ساعت ده ونیم در دفتر ماندم. به دانشگاه تهران رفتم. آقای عبدالمجید معادیخواه، سخنران پیش از خطبه‌ها بود و فرزند شهید آیت هم کمی صحبت کرد. دو خطبه درباره شهادت ۷۲ تن و تروریسم ایراد کردم<sup>۱</sup> و نماز جمعه خواندم و به منزل آمدم. بعد از ظهر خانم شهید مطهری آمد و سفارشهای امنیتی و حفاظتی داشت.

ساعت سه ونیم، به عیادت آقای خامنه‌ای، به بیمارستان قلب رفتم، حالشان بهتر است و همین روزها، بناست از بیمارستان بیرون بیایند.

به جلسه شورای عالی دفاع، در ستاد مشترک ارتش رفتم. فرماندهان همه اشکرها آمده بودند و گزارش عملیات را دادند. آقای صادق طباطبائی که در خارج برای خرید اسلحه به سر می‌برد، آمد و گزارشی از خریدها داد. گزارش برگشتن هواپیمای ربوده شده توسط بنی صدر و رجوی با دو خلبان را دادند. گزارشی هم از تحقیقات داده شد، درباره ربودن هواپیما و گفته شد که مصر هواپیمای ربوده شده را پس نمی‌دهد. ساعت ده ونیم شب، جلسه تمام شد.



شنبه ۱۷ مرداد

۷ سوال - ۸ اگوست

جلسه علنی نداشتیم و به مجلس نرفتم. روحانیت مبارز، جلسه‌ای در کرج - باغ اردوی رفاه - برای بررسی و تصویب اساسنامه داشت، ساعت ده صبح به آنجا رفتم و تا ساعت پنج بعدازظهر کار کردیم و اساسنامه را تصویب کردیم. جامعه روحانیت مبارز، دو تغییر اساسی کرد: اول قرار شد مخصوص روحانیت تهران باشد، نه تمام مملکت. دوم، تغییر اساسی در افراد داده شد و گروهی از روحانیون جوان مبارز شرکت کردند که قبلاً به خاطر موضع‌گیری جامعه، کناره‌گیری کرده بودند و دیگران فهمیدند. بدون این گروه نمی‌توانند کاری از پیش ببرند. عصر در استخر باغ، شنا کردیم و غروب به خانه رسیدیم.

حفاظت سپاه، اخطار کرده بود که امشب در خانه نمانم، برای ملاحظات امنیتی؛ ولی پس از بررسی ضرورتی ندیدم که از خانه بیرون بروم. قرار شد، محافظت شدیدتری معمول شود. شب، سرهنگ دیانتی رئیس کلانتری قلهک آمد. به خاطر انتقادی که در مجلس از کادر شهربانی کرده بودم، توضیحاتی داد. گفتم شهربانی می‌تواند در جریان مبارزه با تروریسم، صلاحیت و ضرورت وجودی خودش را ثابت کند و اگر کوتاهی کند، ارزش و اعتبار خود را از دست می‌دهد و این قابل قبول نیست که در تمام این مدت، مأموران شهربانی، حتی تصادفاً چند مورد ضدانقلاب را به دام نینداخته باشند.

آقای رضایی از اطلاعات سپاه به من اطلاع داد که امروز، تعداد زیادی از کادر عملیاتی مجاهدین خلق بازداشت شده‌اند. امروز حاکم شرع اصطهبانات با دو یاسدارش و یکی از افراد دادگاه انقلاب اراک شهید شده‌اند؛ متأسفانه.

یکشنبه ۱۸ مرداد

۸ سوال - ۹ اگوست

جلسه علنی داشتیم. طرح اراضی شهری تمام شد. ولی فکر می‌کنم شورای نگهبان ایرادهای زیادی بر آن بگیرد.

؛ پرویز املک پور نماینده زردتشتیان، به نحوی در نطق پیش از دستور، از خرابکاران دفاع کرد و دولت را متهم به شدت عمل و خشونت درباره آنان کرده من هم با مطرح کردن ترور آیت، حاکم شرع اصطهبانات، انفجار بانک صادرات ایران در لبنان توسط مجاهدین و حمایت فالاترینست‌ها، حرفهای او را خراب کردم.

ادامه اداره مجلس را به عهده آقای خوئینی‌ها گذاشتم و کارهای دفترم را انجام دادم و نهار را با احمد آقا خمینی، در منزل قرار گذاشتیم و ساعت سه بعدازظهر هم با دکتر عالی، مهندس حریری و مصلحی در منزل. در دو ساعت فاصله بین ملاقات احمد آقا و آنها استراحت داشتم. دکتر عالی و همراهان درباره لزوم مدارا با مجاهدین خلق و مراعات نهضت آزادی و کمتر کوبیدن آنها و حفظ اعتبار آنها حرف داشت.

در مورد مجاهدین، گفتم ما راه را برای افرادی که توبه کنند و دست از خرابکاری و ترور بردارند، باز گذاشته‌ایم؛ ولی اگر بخواهند تروریست و محارب باشند چه کاری جز اجرای قانون اسلام، از ما ساخته است.

در مورد نهضت آزادی، گفتم ما از اول انقلاب همیشه به آنها میدان دادیم و کارها را به آنها سپردیم، ولی آنها به خط امام وفاداری نکردند و جانب بنی‌صدر و مجاهدین را گرفتند و روزنامه میزان و مجلس را به نفع آنها استخدام کردند و اکنون هم به عنوان مخالف سیاسی، بدون حمایت از تروریسم، می‌توانند ادامه حیات دهند و روزنامه داشته باشند. چیزی برای ادعا و گفتن نداشتند.

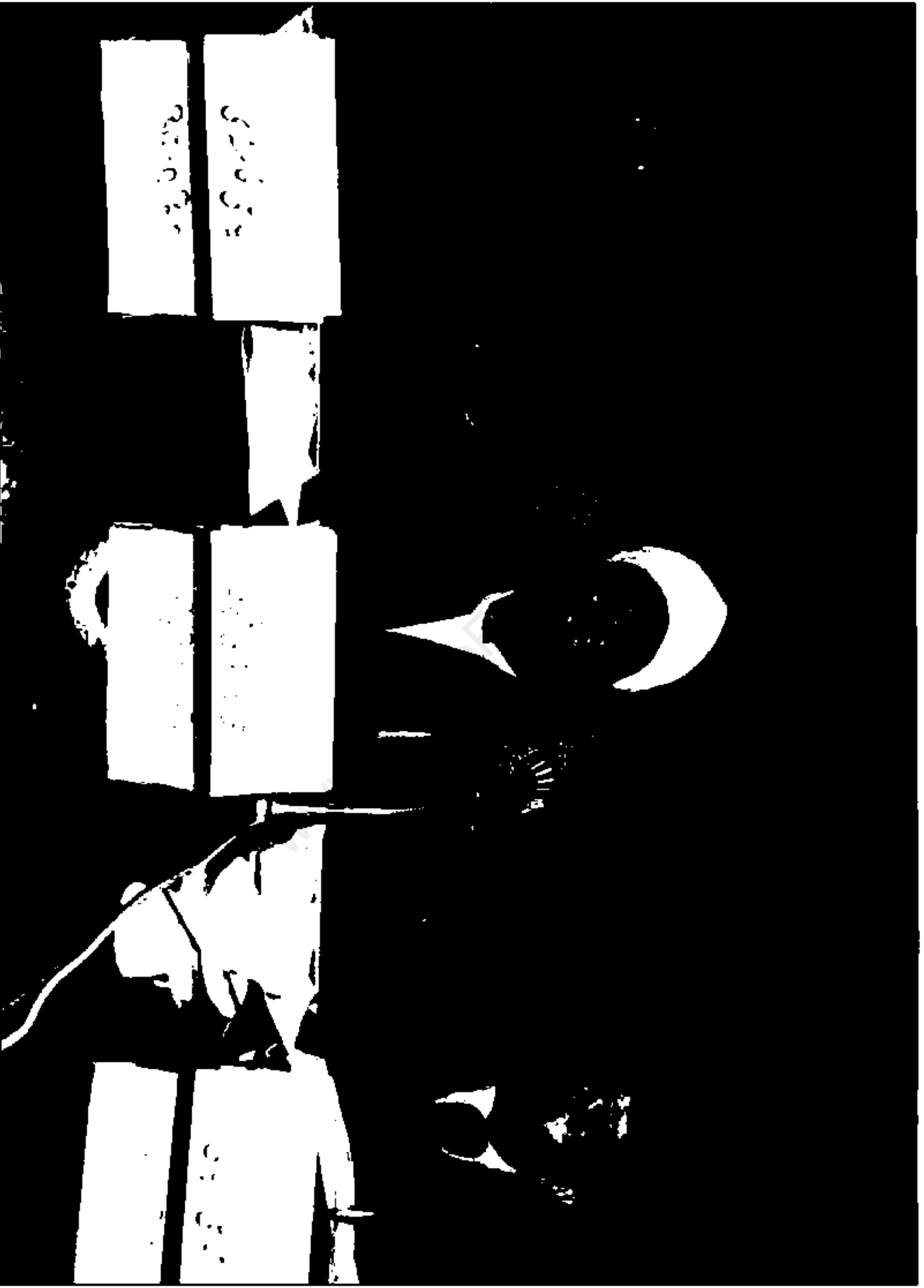
مهندس حریری، متصدی شرکت طاهر، مربوط به اموال خیریه [ابوالفضل] تولیت است<sup>۱</sup> و از طرف دادگاه انقلاب، مورد سؤال قرار گرفته و نسبت به سرنوشت آقایان شانه جی و علی بابائی، خائف بودند.

عصر، در شورای مرکزی حزب در دفتر آقای باهنر شرکت کردم. بعضی از اعضاء، از اینکه نظرشان در کابینه مراعات نمی‌شود، گله داشتند. گفتم من هم گله دارم. ولی حق آقای باهنر و آقای رجائی است و کابینه حزبی نیست و حزب باید دولت را تأیید کند.

در جلسه شورای تأمین هم شرکت کردم. بحث درباره کیفیت رفتار با فشقائی‌ها بود که تصمیماتی اتخاذ شد. با آقای رجائی و باهنر، درباره کابینه هم بحث کردیم. شب را در مجلس خوابیدم.

۱. در مورد فعالیتهای تولیت در نهضت اسلامی به کتاب «هاشمی رفسنجانی، دوران مبارزه، دفتر نشر معارف انقلاب - ۱۳۷۶ صفحات ۱۷۵، ۱۷۲، ۱۸۲، ۱۸۴» مراجعه نمایید.

آقای هاشمی رفسنجانی در خاطرات دوران مبارزه از مرحوم تولیت چنین یاد می‌کند: ایشان امکانات مالی زیادی داشت، بچه هم نداشت. فردی بود روشنفکر و از نظر اعتقادی هم بیشتر جریان مبارزه اسلامی را قبول داشت؛ او آماده شد که خود را وقف مبارزه بکند، به عنوان تأسیس حکومت اسلامی.



حضور در شورای عالی دفاع

دوشنبه ۱۹ مرداد

۹ سوال - ۱۰ اگوست

اول وقت، کمیسیون آئین نامه داشتیم و چون در مجلس بودم، بدون صرف صبحانه در کمیسیون شرکت کردم. چند عاده درباره کمیسیونها تصویب شد. جلسه علنی شروع شد. ادامه بحث طرح الحاق دادگاههای انقلاب به دادگستری که از شورای نگهبان برگشته بود، مطرح بود. با ایرادهای شورای نگهبان، طرح، محتوای ضعیفی پیدا کرد. چند لایحه را برای تصویب به کمیسیونها تفویض کردیم و برای انتخاب بقیه اعضای گروه بین المجالس هم صحبتها می شد. ادامه اداره جلسه را به آقای موسوی خوئینی ها سپردم و برای انجام کارهای اداری مجلس، به دفترم رفتم.

مراجعات زیادی از نمایندگان، در مورد کارهای امنیتی و شخصی شان داشتم. آقای شیخ حسین هاشمیان هم برای ایجاد تسهیلات، جهت صدور پسته و اسکان رقابت با پسته آمریکا، حرفهایی داشت و کمک می خواست؛ منجمه ۲۵ درصد ارز ترجیحی برای صدور پسته.

خبرهای دیروز، در مورد کشف بیش از چهل خانه تیمی مجاهدین، اثر خوبی در مردم داشت و امروز، اعمال تروریسم ضعیف و کم رنگ بود.

عصر، چند مورد اجرای صیغه عقد ازدواج برای سپاهیان داشتیم. آقای رحمانی - محافظ من - که به جبهه رفته بود، با گردن معیوب برگشته. از سلامتی نسبی اش خوشحال شدم. در چپ شدن اتومبیل در بازی دراز آسیب دیده است.

نمایندگان انجمنهای اسلامی وزارت بهداشت هم آمدند و از وزیر گله داشتند و می خواستند اینان در پست وزارت بهداشت نمانند.

عصر، در جلسه شورای عالی دفاع شرکت کردم. آقای خامنه ای هم برای اولین بار پس از سوء قصد، شرکت داشتند. حضور مجدد ایشان در جلسات، برای ما خیلی روح بخش است. به خصوص با از دست دادن جمع زیادی از همسرمان در این مدت که ایشان در بیمارستان بودند، جای خالی ایشان خیلی ملموس بود و رفتن دهها بار به بیمارستان برای عیادت و مراقبت، با خطری که در هنگامه ترورها داشتیم، مشکل دیگر.

درباره دستوری از امام، در خصوص کیفیت جنگ، صحبت بود که امید است در آینده حرکت جالبی در جبهه به وجود آورد. سرهنگ معین پور آمد و گزارشی درباره نتیجه تحقیقات در موضوع فرار بنی صدر، رجوی، هواپیما و دو نفری که برگشته اند، داد. پیشرفتی در تحقیقات

نکرده‌اند، شش نفر را بازداشت کرده‌اند. هواپیما برگشته، ولی اظهارات دو همافر خیلی راهگشا نیست. ضعیف است و به نظر تردید آمیز. شب به خانه آمدم.

سه شنبه ۲۰ مرداد

۱۰ سوال - ۱۱ اگوست

امروز هم مجلس، درباره طرح الحاق دادگاههای انقلاب به دادگستری بحث داشت. از شورای نگهبان برگشته، اصلاح شد. راجع به شرکت در کنفرانس بین‌المجالس در کویا، صحبت داشتیم و چهار نفر انتخاب شدند<sup>۱</sup>. آخر جلسه را به عهده آقای خوئینی‌ها گذاشتم و به دفترم رفتم.

آقای موسوی اردبیلی، تلفن کردند و برای مشورت در موضوع خصوصی، ناهار را به دفتر من آمدند. دوبار از امام، وقت ملاقات خواسته‌اند که امام، موافقت نکرده‌اند. ایشان نگران بودند که امام از ایشان رنجشی داشته باشند و می‌خواستند استعفا بدهند. من گفتم، این تصور ناصحیحی است. خیلی زیاد اتفاق می‌افتد که امام در مورد افراد نزدیک به خودشان، چنین برخوردی دارند؛ قرار شد تحقیق کنم. عصر با آقای شیخ حسن اصنامی، تلفنی صحبت کردم، معلوم شد آقای اردبیلی اشتباه کرده و امام نظر تازه‌ای در مورد ایشان ندارند. ضعف بنیه امام مانع این است که زیاد ملاقات داشته باشند.

شب، در دفتر کارم ماندم و کارهای عقب مانده را انجام دادم و به علت تراکم کارها و ملاقاتهای زیاد، بعد از ظهر نتوانستم در جلسه دفتر سیاسی حزب شرکت کنم.

چهارشنبه ۲۱ مرداد

۱۱ سوال - ۱۲ اگوست

چون شب در مجلس خوابیده بودم، اول وقت سرکارم بودم. متأسفانه ساعت هشت صبح، خبر شهادت حاج آقا بهاء‌الدین عراقی<sup>۲</sup> در کرمانشاه به دست تروریستها و جراحت پدرشان، حاج آقا بزرگ، امام جمعه کنگاور و شهید شدن دو پاسدار رسید. پیش از دستور، راجع به

۱ - این چهار نفر عبارت بودند از ۱ - علی اکبر ولایتی ۲ - مجید انصاری ۳ - غلامعباس زائری ۴ - سرگون بیت اوشاناگوک تپه (نماینده مسیحیان آشوری و کلدانی).

۲ - حجت‌الاسلام بهاء‌الدین عراقی متولد سال ۱۳۰۸ از زمره شاگردان امام خمینی بود وی پس از پیروزی انقلاب به مدت چند ماه، به عنوان حاکم شرع کرمانشاه منصوب شد. همچنین یکی از مدرسین حوزه علمیه امام خمینی و نامزد حزب جمهوری اسلامی برای انتخابات میاندوره‌ای مجلس شورای اسلامی از کرمانشاه بود و به مرحله دوم راه یافت.

تروریستها صحبت کردم<sup>۱</sup>. دستور جلسه، مطالب کوچک و متفرقه‌ای بود، منجمله اعتبار نامه آقای پورگل نماینده بندر انزلی که مورد مخالفت دو سه نفر از لیبرالها قرار گرفته بود، که با اکثریت نیرومندی تصویب شد. بعد از ظهر، جلسه مشترک هیأت رئیسه با رؤسای شعب داشتیم، برای ارسال نمایندگان جدید به کمیسیونها. نمایندگان جدیدتر را هم برای شعبه‌ها، قرعه کشی کردیم.

هیأت رئیسه جلسه داشت و تا ساعت هشت شب ادامه داشت. درباره امنیت نمایندگان و مسکن آنها و مستمری خانواده‌های شهدای مجلس و خیلی چیزهای دیگر، تصمیم گرفتیم. شب به خانه آمدم. موکت شور در خانه، موکت‌های خانه را که خیلی کثیف شده بود، می‌شست و وضع خانه نامنظم بود. خبر رسید که تروریستها با آر.پی. جی به مقر اطلاعات سپاه حمله کرده‌اند و ۱۲ گلوله به اطافها زده‌اند. کسی شهید نشده، ولی چند نفر سطحی مجروح شده، منجمله آقای محسن رضائی. مرحله بدی در کارهای تروریستی است؛ ولی نتیجه‌ای نگرفته‌اند و عده‌ای هم در این رابطه بازداشت شده‌اند. امروز با اجازه دادستان انقلاب، خانه‌های اطراف مجلس را تفتیش کردند. معلوم شد، همسایه‌های مناسبی نیستند، دو جنبشی هم بازداشت شدند و باید آنها را از اینجا به جای دیگر منتقل کرد. بعضی از سلطنت طلبها هستند.

پنجشنبه ۲۲ مرداد

۱۲ شوال - ۱۲ اگوست

اداره جلسه را به عهده آقای موسوی خوئینی‌ها گذاشتم و خودم برای کارهایی، از صبح به منزل امام رفتم. با اعضای فقهای شورای نگهبان، خدمت امام رسیدیم، برای حل معضلات اعمال ولایت فقیه در حل مشکلات حکومت. بعضی از مراجع یا تصمیمات مجلس که به عنوان ضرورت و عناوین ثانویه، جهت حل مشکلات کشور گرفته می‌شود، مخالفت می‌کنند، مثل مسأله زمین و تجارت دولتی و... شورای نگهبان هم روی همین ملاحظات، این گونه مصوبات مجلس را برمی‌گرداند.

با امام، بحث زیادی کردیم و امام به مشکل مجلس و دولت توجه فرمودند و تصدیق کردند که اگر دست ما باز نباشد، حکومت اسلامی کار چشمگیری در حل مشکلات کشور، نمی‌تواند

۱- کتاب آهاسمی رفسنجانی، نطق‌های پیش از دستور - جلد اول.

انجام دهد. قرار شد امام از مقام ولایت خویش، استفاده کنند و حکم کلی در خصوص تجویز اتخاذ تصمیمهای ضروری و انقلابی صادر کنند که آقایان مراجع دیگر و شورای نگهبان، نتوانند مخالفت کنند، اگر صادر بشود، کار بزرگی انجام شده.

سپس با شورای عالی دفاع به خدمت امام رسیدیم. امام گله داشتند که سریعاً عمل نمی‌کنند و جبهه‌ها را زاکد گذاشته‌اند. تیمسار اولی‌الله‌افلاحی گزارشی از وضع نیروهای سپاه و جبهه‌ها و تدبیری برای حرکت در جنگ داد و بحثهای زیادی شد. قرار شد با شرکت فرمانده نیروی زمینی، تیمسار ظهیرنژاد، روز شنبه طرحهای زمانبندی شده، برای اخراج دشمن و تحرک جبهه در محضر امام تصویب شود و فرماندهانی که آمادگی عملی ندارند، کنار بروند. سپس با حضور آقای رجائی و مهندس موسوی وزیر خارجه، دربارهٔ موضعگیری عربستان سعودی در مورد ایجاد دولت کوچک فلسطینی، مشورت شد. با توجه به اینکه ممکن است بنانه‌ای به دست آنها بدهد، که محدودیتی در حجاج ما به وجود آورند. تصمیماتی اتخاذ شد. امام به مسئولان، نصیحتی در مورد اظهاراتشان نمودند که مراعات دیپلماسی را بنمایند. نهار را به منزل آمدم و ساعت سه و نیم بعد از ظهر کیسیون آئین‌نامه داشتیم. ساعت پنج آقای دکتر احسین افخر آمد و دربارهٔ مبارزه با مواد مخدر، پیشنهاداتی داشت. عصر آقای امحسن رضائی و آقای ارضا سیف‌اللهی از اطلاعات سپاه آمدند و راجع به حادثهٔ حمله به مقر سپاه و پیشرفت مبارزه با تروریسم، توضیحاتی دادند. شب در دفترم خوابیدم.

جمعه ۲۳ مرداد

۱۲ سوال - ۱۴ اگوست

اول صبح، همه کارهای عقب مانده را انجام دادم و برای خطبه‌های نماز جمعه مطالعه کردم. ساعت ده و نیم به دانشگاه رفتم. دو خطبه جمعه را دربارهٔ هماهنگی و رابطهٔ گناه و کفر بحث کردم. ظهر به خانه آمدم. فاطمی و سعید هم آمدند. عصر قرار بود به شورای عالی دفاع بروم، ولی نرفتم. چون دیگر مسئولیت مستقیم ندارم، گاهی به جای آقای خامنه‌ای شرکت می‌کنم و این روزها آقای خامنه‌ای هم می‌توانند شرکت کنند.

آخر شب، آقای نظران اطلاع داد که در شورا، موضوع ربودن ناوچه توپدار فرانسوی ایران و هواپیمای فرندشیپ نیروی دریایی مطرح بوده. رژیم شاه سه ناوچه توپدار از فرانسه خریده بود که فرانسه، پس از مدتی تأخیر، به تازگی تحویل داده. در آبهای ساحلی اسپانیا در راه آمدن به ایران یکی از ناوچه‌ها ربوده شده و ظاهراً به مراکش رفته. بعضی از کارکنان ناوچه با ربایندگان، همدستی و همکاری داشته‌اند. اسپانیا اقدام کرده که ناوچه را پس بگیرد؛ چون اسپانیا مسئول حفاظت در آبهای خودش می‌باشد.

هواپیمای فرندشیپ، در راه حرکت از بندرعباس به چاه‌بهار به طرف مسقط رفته و در فرودگاه مسقط فرود آمده. سیزده سرنشین داشته. گویا خلبان و کمک خلبان، قصد فرار از ایران داشته‌اند و این گونه فرار کرده‌اند.

عصر، آقای دکتر عالی آمد و نامه‌ای و پیامی از آقای علی بابائی آورد. در رابطه با همکاری با مجاهدین تحت تعقیب است. پیغام داده بود که مایل است با من ملاقات کند و حرفهایی برای گفتن دارد و پیشنهادی برای رفع مشکل. قرار شد وقتی برای ملاقات تعیین کنم.

شنبه ۲۴ مرداد

۱۴ سوال - ۱۵ اگوست

امروز جلسه علنی نداشتیم. به مجلس نرفتم. عفت و یاسر و مهدی از رفسنجان می‌آمدند. اتومبیل را برای آوردن آنها به ترمینال فرستادم.

صبح، آقای فتوحی همسایه آمد و از فشار دادستانی برای تحویل گرفتن خانه آقای [شهرام] سیاح که توقیف شده و در اختیار ایشان است، گله داشت. از نتیجه تصمیمات ما در مورد طرحی که قبلاً در مورد ایجاد پالایشگاههای کوچک و فوری داده بود، سؤال داشت. گفتم وزیر جدید باید تصمیم بگیرد. با تعطیل شدن پالایشگاه آبادان، مشکل سوخت داریم و فکر تأسیس پالایشگاههای کوچک و سریع مطرح است.

صبح با شورای عالی دفاع و فرماندهان نظامی، خدمت امام قرار داشتیم که درباره آینده جنگ و تحرک جبهه‌ها، تصمیم بگیریم.

امام، ابتدا از فرار فرندشیپ و ناوچه پرسیدند. معلوم شد هواپیما برگشته و دو نفر خلبان مانده‌اند. امام دستور دادند که مراقبت بیشتر شود و افراد ناپاک تصفیه شوند که این گونه



اعضای شورای عالی سپاه در محضر امام



- |                          |                      |
|--------------------------|----------------------|
| ۱۰ - عبدالله محمودزاده   | ۱ - مسعود جزایری     |
| ۱۱ - سید فضل الله محمادی | ۲ - کتغانی مقدم      |
| ۱۲ - محمد ابراهیم سنجفی  | ۳ - ابراهیم محمدزاده |
| ۱۳ - محسن رضایی          | ۴ - اصغر سلیمانی     |
| ۱۴ - علی اصغر شیخی       | ۵ - محسن رفیق دوست   |
| ۱۵ - رضا سیف الهی        | ۶ - دکتر احمد فرمد   |
| ۱۶ - حمید حاج عبدالوهاب  | ۷ - رحیم صفوی        |
| ۱۷ - سید احمد خمینی      | ۸ - مهدی هاشمی       |
|                          | ۹ - علی شمخانی       |



حوادث - که حیثیت ما را مخدوش می‌کند - پیش نیاید.

در مورد جنگ، فرمودند جبهه‌ها را متحرک کنند. تیمسار ظهیرنژاد فرمانده نیروی زمینی احتیاط بیش از حد نشان می‌داد و بیشتر تمایل به عدم حرکت‌های سریع داشت. اصولاً فرماندهان کلاسیک نظامی، با شیوه‌های مطمئن‌تر و حساب شده‌تر، تمایل دارند و سپاهیان با شیوه‌های انقلابی و سریع و ضربتی؛ ولی اکثریت خواهان حرکت سریع بودیم و ادامه وضع موجود را به صلاح نمی‌دانستیم. جنگ فرسایشی شده و دشمن انقلاب، همین را می‌خواهد؛ هم برای ما و هم برای عراق. در خاتمه تصمیم گرفته شد که به همین زودی در دو جبهه کاری شود. زمان هم تعیین شد، باید تعقیب کنیم.

ظهر به خانه آمدم. عفت و مهدی و یاسر هم آمده بودند. عصر هم از خانه بیرون ترفتم، عفت و جمعی از خانمهای دیگر شخصیت‌های کشور، در جشن غروسی همسایه دعوت دارند. چون جشن در هتل کنتینانتال برگزار می‌شود، عده‌ای شرکت نمی‌کنند و دیگران هم اجباراً منصرف شده و امروز عصر مرتباً بین عفت، خانم مطهری، خانم باهنر، خانم معادیخواه و... تلفن رد و بدل می‌شود و دو دل شده‌اند و بالاخره تصمیم گرفتند، نروند. خانواده‌های امام و رجائی هم نمی‌روند. امروز فرصت پیدا کردم، مقداری تفسیر قرآن مطالعه کنم؛ و چه شیرین است.

یکشنبه ۲۵ مرداد

۱۵ سوال - ۱۶ اگوست

جلسه علنی داشتیم و بحث درباره کابینه آقای باهنر بود. کابینه نسبتاً جامعی است. مخالفان، بیشتر از خودمانها بودند و بیشتر مخالفتها روی وزیر کشور، آقای مهدوی اکنی و وزیر بهداشت، آقای دکتر منافی دور می‌زد. مخالفتها به خاطر کمبود امنیت و کمبود امکانات

۱ - کابینه پیشنهادی دکتر باهنر عبارت بودند از: عبدالمجید معادیخواه وزیر ارشاد، حبیب الله عسکراولادی وزیر بازرگانی، محمد عرصی وزیر نفت، محمد علی نجفی وزیر فرهنگ و آموزش عالی، سید حسین نایب‌گردون وزیر راه و ترابری، سرهنگ سید موسی نامجو وزیر دفاع، دکتر محمود روحانی رئیس بهزیستی، علی اکبر پرورش وزیر آموزش و پرورش، معطفی هاشمی وزیر منابع و معادن، محمد تقی اکنی وزیر برنامه و بودجه، حسن عموری فرد وزیر نیرو، مرتضی سوری وزیر پست و تلگراف و تلفن، -لامنی وزیر کشاورزی، محمد میرومحمد صادقی وزیر کار، محمد رحمان‌مهدوی کسب وزیر کشور، بهزاد نبوی وزیر مشاور در امور حیوانی، حسین نجازی وزیر اقتصاد، سید محمد اسمعیلی وزیر دادگستری، میرحسین موسوی وزیر خارجه، حسین موسویانی وزیر مشاور و سرپرست جناب فولاد، شهاب گنابادی وزیر مسکن و ماهی و وزیر بهداشت.



جمهوری اسلامی ایران  
دفتر ریاست جمهوری


شماره ..... ۱  
تاریخ ..... ۱۳۸۵ م: ۷  
پست .....

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی.

بر اساس اصل ۱۲۲ قانون اساسی برادر مجاهد و دانشمند مهندس محمدجواد باهنر را بعنوان نخست وزیر معرفی مینمایم.  
امید است با شناختی که اکثریت از ایشان داریم و با توجه به کارآئی‌هایی که در انجام وظائف محوله در سمت‌های از قبیل وزارت آموزش و پرورش از خود نشان داد مانند مورد تأیید اکثریت قاطع نمایندگان محترم قرار گیرند.

رئیس جمهور

  
۱۳ اردیبهشت ۸۵  
محمد علی رجایی



کابینه آقای محمد جواد باهنر در محضر امام



پزشکی است. دفاع هم خیلی قوی نبود، گرچه مخالفتها هم سطحی و شعارگونه بود. آقای مهدوی اکنی رنجیدند، مخصوصاً از دفاع ضعیف آقای باهنر و حق هم با ایشان است. ایشان مایل نبود در کابینه باشد، به خاطر مشکل انتخاب وزیر کشور، ایشان را با اصرار نگاه داشتند. کاندیداهای دیگر، آقایان بهزادنبوی و اعلی اکبراناطق نوری و ارضا ازوارهای بودند که هر یک به دلایلی مخالفانی داشتند.

بعد از ظهر در جلسه شورای مرکزی حزب جمهوری در نخست وزیری، شرکت کردیم، آقای خامنه‌ای هم برای اولین بار بعد از سوء قصد شرکت کردند. احمدآقا هم اواخر جلسه رسیدند. درباره دیرکل و مسائل جاری کشور و رابطه با لیبی و اعزام هیأتی به لیبی و ناوچه رپوده شده، بحث کردیم.

احمدآقا، مطلبی درباره یکی از اطرافیان بنی صدر که حاضر به همکاری شده، داشت که با آقای امحسن رضائی در میان گذاشت. آقای رضائی و آقای امحسن رفیق دوست هم برای تحویل گرفتن امکانات اداره سوم از مرکز اسناد اسلامی آمده بودند که با آقای باهنر مذاکره شد، قرار شد تحویل گردد. شب را در مجلس، در دفتر کارم ماندم و مقداری از کارهای عقب مانده را انجام دادم.

امروز، عده زیادی از خرابکاران بازداشت و جمعی مجازات شده‌اند و چندین عمل خرابکاری هم انجام شده است. روحانی سنی سندیجی هم با پسرش شهید شده‌اند.<sup>۱</sup>

دوشنبه ۲۶ مرداد

۱۶ شوال - ۱۷ اگوست

شب در مجلس خوابیده بودم. صبح زود ساعت پنج و نیم، کمیسیون آئین نامه داشتیم. ساعت هشت صبح، جلسه علنی شروع شد. امروز بحثهای موافقان خیلی خوب بود. صحبت آقای خامنه‌ای که بعد از سوء قصد، برای اولین بار در مجلس صحبت می‌کردند، اثر زیادی در اقناع نمایندگان داشت. آقای باهنر، خوب دفاع کردند و کابینه رأی خیلی خوبی آورد. فقط یک تشریح شد: آقای مهندس تاج‌گردون نامزد وزارت راه، به خاطر شایعه‌ای نادرست؛ آراء زیادی درباره ایشان ممتنع بود. تا ساعت چهار بعد از ظهر جلسه ادامه داشت.

۱ - نفع الاسلام مصلح سروری امام جماعت مسجد آفازمان سندیج و پسرش در روز شنبه ۲۴ مرداد ۱۳۶۰ توسط جوانی مسلح به اسلحه یوزی ترور شدند و به شهادت رسیدند.

عصر مصاحبه‌ای با پیام انقلاب درباره آقای بهشتی داشتم و مصاحبه‌ای با رادیو درباره زندگی خودم<sup>۱</sup>.

آقای محمدزاده هم آمد و از سختگیرانه‌های فرهنگ و هنر و کارشکنیهای تلویزیون در کارش - که تولید و وارد کردن فیلمهای دینی است - شکایت داشت.

عصر، آقای باهنر تلفن کردند و درباره اخباری از منابع مختلف، در خصوص تکون یک توطئه از طرف سلطنت طلبها و تحریکهای مخالفان در شمال غرب صحبت کردند. شب به خانه آمدم و احمد آقا هم در همین موضوع و موضوعات دیگر صحبت داشتند. قرار شد، فردا عصر در این باره و درباره مدیریت ارتش جلسه‌ای داشته باشیم.

سه شنبه ۲۷ مرداد

۱۷ شوال - ۱۸ آگوست

جلسه علنی داشتیم. بحث درباره لایحه بازسازی بود<sup>۲</sup>. چون یک فوریتی است و هر نماینده، می‌تواند هرگونه پیشنهادی بدهد، (آئین نامه ناقص است) پیشرفت نداشتیم، فقط یک ماده تصویب شد. بعد از تنفس، اداره جلسه را به عهده آقای خوئینی‌ها گذاشتم و خودم به نخست‌وزیری برای شرکت در یک جلسه مشورت مهم امنیتی - سیاسی رفتم.

این روزها از منابع مختلف، گزارشهایی می‌رسد که دشمنان، بنا دارند حرکت توطئه آمیزی در سطح کودتا یا آشوب در بخشی از کشور بکنند. سلطنت طلبان، محور توطئه‌اند و حوادثی مثل ربودن ناوچه و هواپیماها، مربوط به همین توطئه است.

با حضور آقایان رجائی، باهنر، اموسوی اردبیلی، ابنزادانبوی، اخسروا تهرانی و امحسن ارضائی جوانب موضوع را بررسی نمودیم. احتمال موفقیت برای دشمن ضعیف است و احتیاطاً تصمیماتی اتخاذ شد؛ منجمله آماده باش ارتش و سپاه، بازداشت جمعی از متهمان بزرگ سلطنت طلب، حفاظت بیشتر از امام، خودمان، مجلس، صداوسیما و توجه بیشتر به

۱ - کتاب هاشمی رفسنجانی - مصاحبه‌های ۱۳۶۰.

۲ - قانون ازسازی نیروی انسانی وزارتخانه‌ها و مؤسسات وابسته به دولت در ۵ مهر ۱۳۶۰ به تصویب رسید. کاربرد این مصوبه در مواردی است که تخلی از کس سرزده یا حق از کس ضایع شده و یا ناروایی ایجاد گرفته باشد. براساس این مصوبه، هیأت عالی نظارت بر - برابری نیروی انسانی، هیأت بدوی و هیأت تجدید نظر در هر وزارتخانه و مؤسسه دولتی تشکیل شده و جرائم سیاسی، نظامی، مالی و اداری، تخلفهای انضباطی و اعمال خلاف اخلاق عمومی را مورد بررسی و تحقیق قرار داده و کارکنان مجرم را به مجازاتهایی که تعیین شده، محکوم خواهد نمود.

ارومیه و هماهنگی تبلیغات در جهت هوشیار نگه داشتن مردم. عصر، طبق قرار با احمد آقا به محل استراحت آقای خامنه‌ای در شمال تهران رفتم. درباره نماینده دوم امام در شورای عالی دفاع به جای آقای نامجو که وزیر شده و شورای جانشین فرمانده کل قوا، مشورت کردیم. بیشتر از من می‌خواستند که بپذیرم، ولی با کارهای زیادی که دارم ترجیح می‌دهم، من نباشم. اگر کسی مناسب پیدا نشود، ناچار باید قبول کنم. شب را برای مراعات امنیت، به منزل احمد آقا رفتم. چون منطقه جماران، بهتر از هر جای دیگر محافظت می‌شود. اتفاقاً ساعت سه بعد از نصف شب، صد هوائیهای منطقه شروع به آتش باری کرد و احمد آقا به تصور اینکه شایعه کودتا، تحقق پیدا کرده و یا به خاطر من به منطقه حمله شده، من را بیدار کرد. اما خیلی زود آتش خاموش شد. معلوم شد شیئی نورانی در فضا دیده‌اند و احتیاط کرده‌اند و امام هم در همان لحظه، برای نماز شب بیدار بوده‌اند. دوباره خوابیدیم.

چهارشنبه ۲۸ مرداد

۱۸ شوال - ۱۹ اگوست

برای اینکه تذاکرات و مشورتهایی با امام داشتم، صبح زود به مجلس رفتم و از آقای موسوی خوئینی‌ها خواستم، مجلس را اداره کنند. ساعت هشت و نیم صبح، خدمت امام رسیدم. از ایشان تقاضا کردم که در این ایام به خاطر تواتر گزارشهای انجام توطئه، از پناهگاه موجود در محل اقامت استفاده کنند، ولی ایشان معلوم نیست این پیشنهاد را بپذیرند. به ایشان، پیشنهاد عضویت احمد آقا را در شورای عالی دفاع کردم، نپذیرفتند. ایشان با تصدی هرگونه پستی از طرف احمد آقا مخالفت و انعطاف نپذیر. قبلاً پیشنهاد عضویت در شورای انقلاب داده بودیم که قبول نکرده بودند. قرار بود، امام اعلام اعمال ولایت فقیه در مورد تصمیمات ضروری دولت و مجلس، در خصوص اصلاحات نمایند که هنوز در تردیدند و خوف دارند که مجریان، مثل گذشته افراط کنند و حقوق مردم را ضایع نمایند. قرار شد موارد لازم را به ایشان بگوئیم، اگر ضروری دانستند، در همان موارد اعمال نظر کنند.

ساعت ده صبح به مجلس رسیدم و بعد از تنفس، جلسه را اداره کردم. شش ماده از لایحه بازسازی و چند اعتبارنامه تصویب شد. بعد از ظهر جلسه مشترک هیأت رئیسه و رؤسای شعب

داشتیم که به خاطر نیامدن رؤسای شعب، تشکیل نشد. در جلسه هیأت رئیسه درباره اختیارات و وظائف هیأت رئیسه در خصوص اداره مجلس، بحث کردیم و تصمیماتی اتخاذ شد. در مورد برنامه هفته بعد و همچنین شرکت در بین‌المجالس هاوانا تصمیم گرفتیم.

شب، کارهای عقب مانده را انجام دادم و گزارشها را خواندم و متن فارسی خطبه عربی نماز جمعه را نوشتم که ترجمه کنند. ساعت ۹ شب به خانه آمدم. عفت از کم به خانه آمدن من ناراحت است، ولی برای مراعات امنیت فعلاً چاره‌ای جز این نداریم. امروز و دیروز و تقریباً هر روز تعدادی از تروریستهای مجاهدین خلق و پیکاری و... بازداشت یا مجازات شده و چندین عمل تروریستی، واقع می‌شود.

پنجشنبه ۲۹ مرداد

۱۹ سوال - ۲۰ اگوست

برخورد دکتر اموسی از رگر در مجلس در رابطه با انتخاب دکتر منافی، به عنوان وزیر بهداشتی و بازداشت همسر دکتر فاضل - به اتهام همکاری با مجاهدین، بعضی را عصبانی و بعضی را خوشنود کرد. دستور جلسه بحث در لایحه بازسازی بود و چند اعتبارنامه تصویب شد. بعد از ظهر کمیسیون آئین نامه داشتیم که رسمیت نیافت و مصاحبه‌ای با مجله ایتالیائی داشتم. ملاقاتی با نماینده صلیب سرخ در ایران داشتم که از اجازه نیافتن برای ملاقات زندانیان در دو ماهه اخیر شکایت داشت. دیداری داشتم با سفیر فلسطینی که از ما استمداد می‌کرد و مشکلات خودشان را شرح می‌داد.

شب، جلسه‌ای مشورتی در دفتر من با حضور آقایان رجائی، باهنر، اموسوی اردبیلی و ابنزاد انبوی تشکیل شد و تا ساعت یازده ونیم شب ادامه داشت. درباره تصفیه نفت که مشکل کمبود سوخت داریم، رفتار با نیروهای میانه غیر مخالف، شیر مکتبی و کمک به فلسطینیها و سازمان امل لبنان و... بحث کردیم و تصمیماتی گرفتیم.

امروز، یکی از مراکز مهم تروریستهای مجاهدین خلق کشف و محاصره شد و پنج ساعت درگیری ادامه داشت و بالاخره با دادن شش شینید و چند مجروح، شانزده نفر دستگیر و دو نفر از آنها کشته شدند. گویا از افراد سطح بالا و فعال مجاهدین هستند. چند مورد سوء قصد هم



## بين المجالس هاوانا ( كوبا )



رديف دوم : علي اکبر ناطق بوزي سيد محمود دعائي . عطا الله مهاجراني . مولوي اسحاق مدني سيد محمد خانمي  
رديف اول : داکتر موسی زرگر محمد امامی کاشانی سرگون بیت اوشان داکتر علي اکبر ولايتي

داشته‌ایم.

قایقی از ژاندارمری هم با یک مکانسین، امروز منقود شده، گویا فرار کرده. آقای موسوی اردبیلی به خاطر مراعات امنیت، در مجلس ماندند و من هم در دفترم خوابیدم. آقای مهندس غرضی از ژنو تلفنی صحبت کرد. وضع کنفرانس اوپک را گزارش کرد و دربارهٔ قیمت نفت و نظر عربستان سعودی، با اصرار به پایین نگه داشتن قیمت و بالا نگه داشتن سطح تولید گفت. ما نظر دادیم که در صورت توافق همه اعضا روی ۳۵ دلار برای هر بشکه، موافقت کند و اگر اجماع نبود، روی همان ۳۶ دلار بماند.

۲۰ شوال - ۲۱ اگوست

جمعه ۳۰ مرداد

صبح زود به کار پرداختم. گزارش زیادی برای خواندن داشتم، مسأله ربوده شدن ناوچه توپدار فرانسوی، تقریباً حل شده و ربایندگان تسلیم شده‌اند و فرانسه اعلام کرده که ناوچه را تحویل ایران می‌دهد، ایران به این مقدار قانع نیست، دزدان را می‌خواهد تحویل بگیرد، ولی فرانسه حاضر نیست تحویل بدهد.

ساعت ده و نیم برای نماز جمعه به دانشگاه رفتم، در یک خطبه، حرکت تکاملی انقلاب را تشریح کردم، شاه زدائی، آمریکازدائی و منافق زدائی، یا استبداد زدائی، استعمارزدائی و فسادزدائی و در خطبهٔ دوم از موضع بد سعودیها در اوپک و موضوع ناوچه ربوده شده صحبت کردم.<sup>۱</sup> آقای ناخدا افضلی فرمانده نیروی دریائی گزارشی از کیفیت ربوده شدن ناوچه داد. ناهار به خانه آمدم.

عصر ساعت پنج، در جلسهٔ شورای عالی دفاع در ستاد مشترک شرکت کردم. تیمسار فلاحی گزارش وضع جبهه‌ها را داد. گزارش تحقیقات از متهمان و بازداشتیهای جریان فرار بنی صدر و رجوی را شنیدیم. لیست نیازمندیهای لجستیکی ارتش مطرح شد که هزاران خودرو از انواع بولدوزر تا جیپ بود. گفتیم که وزارت دفاع تهیه کند، اما عملیات نظامی مقرر را نباید موکول به رسیدن اینها کنند. از سد ابتکاری مهندس سرداری در شمال آبادان راضی بودند. ممکن است به زودی اثر قاطعی در جبهه داشته باشد. خرید تانک از کره شمالی، مطرح و

۱. کتاب هاشمی رفسنجانی - خطبه‌های جمعه - جلد اول.